



ویژه کنفرانس دوم

گزارشی از برگزاری
دومین کنفرانس سازمان و تصمیمات آن

در خردادماه ۱۳۶۸ دومین کنفرانس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) با حضور تعدادی از اعضاء و کارکنان سازمان برگزار گردید تا فعالیت سیاسی و تشکیلاتی دوساله سازمان را پس از نخستین کنفرانس مورد ارزیابی قرار دهد و خط مشی و سیاستهای سازمان را برای دوسال آینده تعیین نماید.

مطابق رویه ای که در اسانامه مشخص شده است، کمیته اجرایی سازمان سه ماه پیش از برگزاری این نشست یعنی در اسفندماه، دستور جلسه کنفرانس را بشرح زیر به تشکیلات ارائه نمود:

" بحث و تصمیم گیری در مورد گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرایی
اصلاحات در برنامه و اسانامه سازمان
تعیین خط مشی و تاکتیکهای سازمان در وضعیت جاری
تصویب قطعنامه ها
انتخاب رهبری سازمان.

در همین حال نوشته ای تحت عنوان " تزهائی درباره گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرایی " به همراه قطعنامه ها و دیگر موارد بحث را در اختیار تشکیلات قرار داد تا قبلاً از نشست، بحث لازم پیرامون این مسائل انجام بگیرد. بنا بر این پس از سپری شدن دوره در صفحه ۲

گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرایی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)
به دومین کنفرانس سازمان

های امپریالیست و تعمیق روزافزون بحران اقتصادی را در یک دورانی طولانی ترین می توان به وضوح مشاهده کرد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای امپریالیست که طی سالهای ۷۳-۶۳ بطور متوسط ۵/۱ درصد بود، در فاصله میان سالهای ۸۰-۱۹۷۳ به ۲/۵ درصد و در سالهای ۸۵ تا ۸۸ به ۲/۳ درصد کاهش یافت. این ارقام بخوبی رکود مزمن و زوال روزافزون اقتصاد کشورهای امپریالیست را نشان میدهند. با این تشدید و خاسته ها، وضعیت اقتصادی شرایط معیشتی کارگران دشوارتر شده است. مطابق ارقام رسمی که طبیعتاً بازگوکننده تمام حقیقت نیست، نرخ بیکاری در تمام کشورهای امپریالیست بطور متوسط ۸ درصد در کشورهای عضو سازمان مشترک ۱۰/۹ درصد است. تعداد بیکاران تمام وقت کشورهای امپریالیست به حدود ۳۶ میلیون نفر بالغ می گردند که در این میان سهم سازمان مشترک ۱۶ میلیون نفر می باشد. بعلاوه، بورژوازی برای تحمیل هر چه بیشتر بار بحران به دوش کارگران، طی سالهای اخیر امکانات مربوط به رفاه و تامين اجتماعي کارگران را محدودتر نموده است.

گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرایی دومین کنفرانس سازمان با بررسی اوضاع جهانی آغاز می گردد، سپس اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران مورد بحث قرار می گیرد و در پایان گزارش تشکیلاتی ارائه میشود.

مختصات عمومی اوضاع آسیای جهان طی دوران پس از نخستین کنفرانس سازمان، در اساس منتج از همان شرایط عینی و تضادهای برده است که زائیده عمر حاضر است. به عصبانیت امپریالیسم و انقلابات تپرو لتری می باشند. دنیای سرمایه داری که اکنون سالهاست در چنگال یک بحران عمومی و همه جانبه دست و پا می زند و دوران حتمی خود را می گذراند، اندک انبوهی از معضلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تضادهای لاینحل و بیروست.

طی چند سال اخیر وضعیت اقتصادی جهان سرمایه داری به وخامت بیشتری گرایده و بحران اقتصادی ژرف تر شده است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به رغم بهبود نسبی سال ۱۹۸۴ پیوسته کاهش نشان می دهد، در حالی که در ۱۹۸۴ این نرخ رشد در کشورهای اردوگاه امپریالیسم بطور متوسط ۴/۹ درصد بود، در سال ۱۹۸۵ به ۳/۲ درصد، در ۱۹۸۶ به ۲/۷ درصد، در ۱۹۸۷ به ۳/۱ درصد و در ۱۹۸۸ به ۲/۸ درصد کاهش یافت. طی همین مدت این نرخ رشد در آمریکا از ۶/۸ درصد به ۲/۷ درصد کاهش یافته است. زوال روزافزون اقتصاد کشور-



خمینی مرد! مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

در صفحه ۳

پیام شرکت کنندگان در دومین کنفرانس به طبعه کارگر

در صفحه ۲۰

پیام به فدائیان دربند، خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی

در صفحه ۱۸

پیام دومین کنفرانس به رفقای هوادار

در صفحه ۱۹

صلح دمکراتیک و پایداری، در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است

قطعنامه های

مصوب دومین کنفرانس

در صفحه ۶

برنامه و اسانامه

مصوب دومین کنفرانس

در صفحه ۷

گزارشی از برگزاری دومین کنفرانس سازمان و تصمیمات آن

مباحثات، دومین کنفرانس سازمان در موعده مقرر تشکیل گردید و کار خود را با اعلام یک دقیقه سکوت به پاس بزرگداشت شهدای سازمان آغاز نمود. سپس آئین نامه نشست بتصویب رسید و هیئت رئیسه جلسه انتخاب گردید. در پی این مقدمات مطابق دستور جلسه تعیین شده ابتدا گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی به دومین کنفرانس قرائت شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. کلیت این گزارش با یک تغییر در بخش گزارش تشکیلاتی به تصویب رسید. در اصل گزارش گفته شده بود "کمیته اجرائی بر این اعتقاد است که علت این عدم موفقیت، قیل از هر چیز به بقای سبک کار گذشته ما در عرصه سازماندهی مربوط می گردد. ما در عرصه سیاسی سبک کار روشی و فعالیت خود را بطور عمده اصلاح کرده ایم، اما در عرصه سازماندهی عمدتاً سبک کار گذشته ادامه یافته است. این سبک کارنا درست خود را در بین واقعیت نشان داده است که ما پس از کنفرانس خرداد ۶۶ در حالیکه با کمبود شدید کاروانها، مالی و تدارکاتی روبرو بودیم، وظایف متعددی را در برابر خود قرار دادیم، ارگانهای متعددی ایجاد نمودیم و نتوانستیم تمام نیروها و امکانات را برای انجام عمده ترین وظیفه خود متمرکز سازیم لذا کمیته اجرائی در این زمینه از خود انتقاد می کند...". در حالیکه این بخش بشکلی که اکنون در گزارش آمده است تغییر نمود. گزارش جداگانه عملکرد ارگانهای مختلف تشکیلات نیز به بحث گذاشته شد و به تصویب رسید.

اصلاحات دیگری که در برنامه انجام گرفت، در حد اصلاحات تباری رفع هرگونه ابهام و افزودن موادى به مطالبات مشخص بود که در برنامه مصوب کنفرانس دوم آمده است. بحث بر سر تغییر، حذف و یا افزودن برخی مواد سازمانهاى مطابق جمع بندی تجارب دو سال گذشته و مقتضیات کنونی تشکیلات بخش دیگری از کنفرانس بود. این اصلاحات در اسانما کنفرانس دوم درج شده اند. دستور کار بعدی کنفرانس بحث و بررسی و تصمیم گیری در مورد قطعنامه های تاکتیکی بود. کنفرانس طرح قطعنامه ای را که به وضعیت کنونی، وظایف و تکنیکهای سازمان اختصاص یافته بود تصویب نمود. این قطعنامه به ضمیمه دیگر اسناد کنفرانس دوم در همین شماره نشریه کارانتشار یافته است. در زمینه شیوه برخورد به احزاب و سازمانهای غیر پرولتری، کنفرانس دوم سازمان تصمیم گرفت که قطعنامه کنفرانس اول در این مورد به اعتبار خود باقی باشد. بر همین مبنا شیوه برخورد نسبت به هر دو جناح حزب دمکرات کردستان ایران همان خواهد بود که در قطعنامه کنفرانس اول در مورد حزب دمکرات کردستان آمده بود، اما بر اساس مباحثی که در کنفرانس پیرامون ماهیت طبقاتی این دو جریان صورت گرفت، اینکه تحلیل گذشته سازمان با اعتبار خود باقی است، اینکه هر دو جناح، بورژوازی رانمایدگی می کنند و اساساً ضد انقلابی اند و اینکه جناح قاسملو بورژوازی رانمایدگی می کند و ضد انقلابی است، در حالیکه جناح دیگر لایه های فوقانی خرده بورژوازی رانمایدگی می کند و نیروی بینا بینی محسوب میگردد، مقرر گردید که مسئله ماهیت طبقاتی دو جناح حزب دمکرات کردستان و شیوه برخورد به آنها مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد و این مسئله به یکی از مباحث تشکیلات تبدیل شود.

در مورد سازمان راه کارگرنیز با توجه به انشعابی که در این سازمان صورت گرفت جناح "هیئت اجرائی موقت برای تدارک کنفرانس" جناح را دیگالترا این سازمان ارزیابی گردید، اما اتخاذ موضع قطعی منوط به مصوبات و مواضع بعدی این سازمان گردید.

در مباحث ارزیابی از ماهیت طبقاتی احزاب و سازمانهای غیر پرولتری، بحث دیگر، پیرامون کمیته خارج از کشور سابق بود. مباحثات در این مورد حول این محور صورت گرفت که آیا باید با آن بعنوان یک جریان خرده بورژوازی برخورد کرد یا اساساً بعنوان یک جریان غیر سیاسی. کنفرانس با اکثریت مطلق آراء معتقد بود که این جریان فاقد اهداف و انگیزه های سالم سیاسی است. بنا بر این یک سازمان سیاسی

محسوب نمی شود و ما مجاز به برقراری مناسبات با این جریان و هرگونه اتحاد عمل با آن نیستیم. یکی دیگر از مسائل مورد بحث کنفرانس دوم سازمان، مشخص ساختن نیروهای وحدت حزبی ما بود. کنفرانس با تصویب یک قطعنامه در باره ضرورت وحدت در صفوف نیروهای طیف اقلیت نیروهای وحدت حزبی ما را در لحظه کنونی رفقای "شورا ی عالی" و "هسته اقلیت" معرفی نمود. در عین حال مقرر داشت که چنانچه روند وحدت قبل از کنفرانس سوم سازمان به نتیجه بیانجامد کمیته اجرائی سازمان کنفرانس اضطراری سازمان را فراخواند.

پس از این مباحثات و تصمیم گیریها کنفرانس یک رشته تصمیمات دیگر نیز اتخاذ نمود. کنفرانس تصمیم گرفت که تا زمانیکه سازمان به لحاظ کمی و کیفی و رعایت پرسنلیهای کمونیستی نتواند کنگره خود را تشکیل دهد، هر دو سال یکبار کنفرانس سازمان برگزار گردد که از همگان اختیارات کنگره برخوردار خواهد بود و خواستار برگزاری آن نیز همان ضوابط تعیین شده در اسانما سازمان در مورد کنگره خواهد بود. تصمیم دیگر کنفرانس دوم سازمان تعیین یک روز بعنوان روز شهدای سازمان بود. از آنجائی که در سراسر دوران حیات سازمان، گروه کثیری از رفقای فدائی ما در اسفندماه جان باختند، از آنجائیکه طی روزهای ۲۴ و ۲۵ اسفندماه سال ۶۰ گروهی از رهبران برجسته و کارهای سازمان در یک نبرد قهرمانانه با دشمنان جمهوری اسلامی شهادت رسیدند، لذا کنفرانس روز ۲۵ اسفند را بعنوان روز شهدای سازمان اعلام نمود. کنفرانس سپس با تنظیم چندین پیام خطابه به طبقه کارگر، خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، رفقای هوادار سازمان، و انتخابات رهبری جدید سازمان وظایف خود را به انجام رساند. کنفرانس با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

برای تماس با :

سازمان جریکهای فدائى خلق ایران (اقلیت)

خانه های خود را در نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخوانید تا ما بتوانیم راه آدرس زیر پست کنید.

Post Fach 302921
1000 Berlin 30
West Germany

کسبهای مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمایید.

Jalali
201964 M
Credit Lyonnais
29 Bd. Jules-Ferry
75011 - Paris
FRANCE



خمینی مرد! مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

مردم مبارزایران!

ضحا که زمان خمینی خون آشام، این مظهر تمام ارتجاع، جنایت، جهل و خرافات، فریب‌وریا، جنگ و کشتار که طی ده سال زمامداری خود بر اس‌س‌هرم حکومتی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، با ارتکا بعظیم‌ترین جنایات ضد بشری و بیدادگری‌های بی‌حد و حصر به منظور ترسین چهره در سرانجهان تبدیل شده بود، مُرد.

فجایع بی‌شماری که خمینی ورژیم اسلامی او طی ده سال اخیر در ایران ببار آورده‌اند، فقر و بدبختی عموم زحمتکشان ایران، کشتار، جنگ، اختناق و سرکوب‌عنان گسیخته و محروم نمودن مردم از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی، چنان عظیم و هولناک‌اند که هیچگاه از خاطر مردم ایران محو نخواهند شد.

نیازی نیست که با برشمردن دهها و صدها نمونه از اقدامات ضد انقلابی و ارتجاعی خمینی علیه مردم ایران به بازگویی جنایات و فجایعی که او ببار آورده بر دایم. توده‌های زحمتکش مردم ایران با تجربه ده ساله اخیر که هر روز با هزاران نمونه از بیدادگری‌های این رژیم توأم بوده است، به ما هیت‌سرتا یا ارتجاعی خمینی ورژیم جمهوری اسلامی او پی برده‌اند.

از همان هنگام که توده‌های مردم ایران با انقلاب عظیم خود حماسی‌ترین نبرد تاریخی خویش را علیه رژیم ستمکار شاه آغاز نمودند و برای سرنگونی حکومت سلطنتی شاه که مظهر ۲۵۰۰ سال ستمگری و بیدادگری شاهان و شروتمندان بود به قیام برخاستند، خمینی نقش ضد انقلابی و ارتجاعی خود را آشکار ساخت. او که در واقعیت مردشمن سوگند خورده کارگران و زحمتکشان، آرمان‌های والای آنها و دشمن آزادی و دمکراسی بود، بسان گرگی درنده خوی در پوست میبش، به دروغ خود را مدافع خواستهای مردم و آرمان‌های آنها معرفی نمود، تا جنبش توده‌ها را از مسیر انقلابی‌اش منحرف نماید و با انقلاب، علیه انقلاب اقدام کند. همه دشمنان توده‌های مردم ایران، همه طبقات ستمگرا و ستمگروانییز دولتهای امپریالیست که در پیافته بودند، رژیم شاه قالدربه مهارسیل بنیان کن جنبش توده‌های نیست و بزودی سرنگون خواهد شد، از هیچ تلاشی برای تحمیل خمینی مرتجع و دارودسته او بر مردم ایران فروگذار نکردند. مردم ایران که هنوز شناخت درستی از ما هیت ارتجاعی خمینی و اهداف و مقاصد ضد انقلابی او نداشتند، از روی نا آگاهی و زودبازی به او اعتماد کردند و قدرت سیاسی را دوباره به دست دشمنان خود که این بار چهره عوض کرده بودند، سپردند. اما گذشت مدت زمانی کوتاه لازم بود تا در عمل دریا بند که همه وعده و وعیدهای خمینی جز فربیکاری یکشاید عمامه بسر چیز دیگری نبوده است. خمینی همینکه قدرت را بدست گرفت، در اس‌س‌هرم رژیم جمهوری اسلامی یکا یک دستاوردهای انقلابی مردم را از آنها بازپس گرفت. تمام حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی را از مردم سلب نمود و با برقراری یک دیکتاتور عریان و عنان گسیخته دست به چنان جنایاتی زد که ذنوع خود کم سابقه است. کارگران و زحمتکشان ایران و ملیتهای تحت ستم با زور و اسلحه سرکوب شدند. دهها هزار تن به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. شکنجه‌های وحشیانه در سیاهچالهای قرون وسطائی دوباره متداول گردید. زنان در معرض بی‌حقوقی کامل قرار گرفتند. صدها هزار تن از مردم ایران در جریان جنگ فدائی مقاصد جاه طلبانه و توسعه طلبانه رژیم شدند. خمینی جلادحتی در آخرین لحظات عمر ننگین خود فرمان قتل عام زندانیان سیاسی را صادر کرد. او که پیش از قیام وعده رفاه و خوشبختی را به توده‌های مردم داده بود، در عمل کارگران و زحمتکشان ایران را به چنان مرحله‌ای از فقر و بدبختی هولناک سوق داد که تا کنون سابقه نداشته است. توده‌ها به تجربه دیدند که حکومت الله در ایران چیز دیگری جز فقر، بدبختی، جنگ، سرکوب، کشتار و بی‌حقوقی مطلق و استتما روحشانه کارگران توسط سرمایه داران، به ارمغان نیاورد و خمینی جز یک مرتجع جنایتکار، شیاد و فربیکار چیز دیگری نبود.

خمینی پس از این همه فجایع و جنایاتی که ببار آورد، مُرد. روشن است که مرگ این مظهر خبیث ارتجاع، جهل و جنایت‌تانه تنها موجب خرسندی میلیونها تن از مردم زجر کشیده ایران، بلکه همه انسانهای آزادخواه، انقلابی و دمکرات در سراسر جهان گردید. اما مردم ایران حتی یک لحظه این حقیقت را نپذیرفتند و فراموش کنند که هر چند خمینی مُرد، اما هنوز رژیم جمهوری اسلامی باقی است و ما هم که این رژیم سرنگون نشده است، تمام مصائب و بدبختی‌هایی که خمینی ورژیم او ببار آورده‌اند، باقی خواهند ماند. اکنون با مرگ خمینی و نقشی که او در نظام جمهوری اسلامی بازی می‌کرد، شرایط برای سرنگونی این رژیم بیشتر فراهم می‌گردد. مرگ خمینی تا شیرات غیر قابل انکاری برای زهم گسیختگی هر چه بیشتر نظام جمهوری اسلامی برجای خواهد گذاشت، اما فروپاشی قطعی و سرنگونی تام و تمام آن تنها بدست توانای توده‌های زحمتکش مردم ایران امکان پذیر است.

مردم مبارزایران!

مبارزه خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی یعنی حکومتی که قدرت سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان باشد، شدت بخشید. مرگ خمینی از هم گسیختگی و فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی را تسریع خواهد کرد.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرایی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) به دومین کنفرانس سازمان

امپریالیست در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه - داری تعرض گسترده ای را به دست آورده های دمکراتیک طبقه کارگر سازمان داده است. رشد گرایش و جریانات فاشیستی در اغلب کشورهای امپریالیستی بویژه طی دو سال اخیر خود جلوه دیگری از گرایش روزافزون بورژوازی انحصاری به ارتجاع سیاسی نرشرایطی است که اوضاع اقتصادی مدام وخیم تر میشود. علاوه بر این، امپریالیسم بمنظور تحقق اهداف فارتگرا نه، استثمار کارگران و تجار و کارخانه خود بردارنده و بعدا سیاستهای میلیتاریستی اش افزوده است. امپریالیسم در تلاش است تا با تشدید میلیتاریسم از یکسویه مقابل با اوضاع وخیم اقتصادی و رکود مداوم بر خیزد و از سوی دیگر این میلیتاریسم را در خدمت اهداف فوسیاستهای توسعه طلبانه و تجار و کارخانه تشدید کند. بر همین مبناست که هزینه های نظامی امپریالیسم آمریکا از ۱۸۷/۹۱ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار در ۱۹۸۸ افزایش یافته است. کشورهای امپریالیستی دیگر نیز همین منوال هزینه های نظامی و تسلیحاتی خود را افزایش داده اند. سواي خطراتی که این رشد میلیتاریسم برای عموم بشریت در پی خواهد داشت، هم اکنون طبقه کارگران کشورهای با یدبار این هزینه های کلان را بردوش بکشد. همه این عوامل اقتصادی و سیاسی، شرایط زندگی طبقه کارگر را دشوارتر نموده و تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی را تشدید نموده است. این تشدید تضاد، خود را در شدت روزافزون اعتراضات طبقه کارگر و وسعت گرفتن دامنه اعتصابات و تظاهرات تارگری در کشورهای سرمایه داری بویژه فرانسه، آلمان، انگلیس، اسپانیا و غیره نشان داده است. جنبش های دمکراتیک ضد جنگ و سلاحهای هسته ای که در پیشاپیش آنها طبقه کارگر قرار دارد، نیز جلوه دیگری از مبارزه علیه سیاستهای میلیتاریستی و ارتجاعی بورژوازی انحصاری است.

به موازات تشدید رکود و وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی، تضاد میان انحصارات بین المللی و بلوک بندیهای امپریالیستی برای تجدید تقسیم بازارهای موجود و صدور سرمایه های متراکم شده برای تخفیف بحران، تشدید شده و بردارنده مخاصمات آنها افزوده شده است. امپریالیسم آمریکا که در دوران پيس از جنگ جهانی دوم به صورت قدرت بلامنزاع اقتصادی و سیاسی اردوگاه امپریالیستی در آمده بود و حتی بخشهایی از بازارهای اروپایی را تحت سیطره خود در آورده بود، علیرغم اینکه هنوز سرکردگی خود را در اردوگاه امپریالیسم حفظ کرده است، اما طی سالهای اخیر بویژه از اوایل دهه هشتاد مو قعیت گذشته خود را تا حدودی از دست داده و تضعیف شده است.

امپریالیسم آمریکا نه فقط در جنگال یکرکود اقتصادی گرفتار گردیده بلکه به تبع آن در عرصه های مالی و تجاری نیز با یک بحران روبروست. ارزش دلار طی سالهای اخیر مدام کاهش یافته است. کسری بودجه در ۱۹۸۸ به ۱۵۵ میلیارد دلار رسید. کسری ترازی زرگانی به ۳۶۸ میلیارد دلار رسیده است. تحت چنین شرایطی امپریالیسم آمریکا نه فقط در تلاش است با زارهای راکه تحت سیطره انحصارات آمریکا قرار دارند حفظ نماید بلکه با توسل به سیاستهای مختلف اقتصادی می کوشد بخشی از بار بحران خود را به دوش رقبای امپریالیست اروپایی و ژاپنی بیا نندازد. اما انحصارات اروپایی و ژاپنی نه فقط در برابر این تلاشهای امپریالیسم آمریکا بمقابله برخاسته اند بلکه سهم بیشتری از بازار جهانی را طلب میکنند. رقابت میان گروه بندیهای امپریالیستی طی دو سال اخیر به مرحله ای رسید که آنها آشکارا از یک جنگ تجاری سخن بمیان آوردند. اکنون کشورهای عضو بازار مشترک اروپا یک بلوک بنسندی امپریالیستی نیرومندی را در برابر امپریالیسم آمریکا و ژاپن تشکیل داده و با طرح بازار واحد اروپایی خود را برای یک مقابله جدی ترو حادتر آماده می کنند. امپریالیسم ژاپن نیز علیرغم اینکه طی چند سال گذشته بخشی از بازارهای انحصارات اروپایی و آمریکایی را قبضه کرده است، اما به بازارهای موجود قانع نیست و در پی کسب سهم بیشتری از بازار جهانی است. این حقایق نشان میدهد که تضاد میان بلوک بندیهای امپریالیستی در حال تشدید شدن است.

توام با تشدید تضاد میان بورژوازی و پرولتاریا در کشورهای امپریالیست و نیز تشدید تضاد های درونی اردوگاه امپریالیسم و انحصارات بین المللی، تضاد دیگری در مقیاس جهانی عمل می کند که بر روند تحولات جهانی و سیاستهای بین المللی تاثیر مسلم و برجسته ای دارد و آن تضاد میان اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه امپریالیسم است. در حالی که امپریالیسم در نتیجه حاد شدن تضاد های موجود در کشورهای انحصاری امپریالیست و نیز کلیت اردوگاه امپریالیسم بیش از پیش به ارتجاع سیاسی و میلیتاریسم روی می آورد، سیاستهای ارتجاعی خود را علیه اردوگاه سوسیالیسم تشدید نموده و به آن اشکال تعرضی بخشیده است. این سیاست امپریالیستی که در اساس از ما هیت ارتجاعی امپریالیسم و تضاد آشتی ناپذیر آن با اردوگاه سوسیالیسم ناشی می گردد، در شرایط کنونی بویژه از آنجهت اشکال تعرضی خود گرفته که اردوگاه سوسیالیسم در نتیجه یک رشته مسائل که ناشی از رشد انحرافات در کشورهای سوسیالیستی است، بموضعی تدا فعی در غلطیده است.

واقعیت این است که رشد انحرافات، در کشورهای اردوگاه سوسیالیسم طی چند دهه گذشته که مشخصا به دوران خروش فاشیسم زمینگرد منجر به رشد چنان تضادهایی شده است که هم اکنون برخی کشورهای سوسیالیستی با یک بحران سیاسی روبرو هستند. آنها نه فقط درگیر معضلات ناشی از این انحرافات می باشند بلکه در عرصه سیاست خارجی نیز به یک سیاست سازگارانه و حتی راست تراز گذشته روی آورده اند. در پیشاپیش این کشورهای اتحاد شوروی قرار دارد که تحت رهبری حزب کمونیست و گورباچوف در تلاش است تا مناسبات خود را با امپریالیسم بهبود بخشد. و از حدت تضاد میان اردوگاه بکا هد گذشته است. ابتهارات اتحاد شوروی در زمینه خلع سلاح هسته ای که از حمایت عموم کارگران و زحمتکشان سراسر جهان برخوردار است و طبیعتا از جانب هر نیروی انقلابی مورد تأیید و پشتیبانی قرار می گیرد، جوانب دیگری سیاست خارجی جدیدا تا دجا هی ر شوروی که بر مبنای فرمول برسمیت شناختن منافع متقابل یعنی حصول توافق با امپریالیسم و برسمیت شناختن منافع فارتگرا نه و تجار و کارخانه تنظیم شده است، نه فقط تاثیرات منفی بر رشد انقلابات پرولتری و جنبشهای رهایی بخش خلقها و ملت های تحت ستم برجای خواهد گذاشت، بلکه به سیاستهای ارتجاعی امپریالیسم علیه اردوگاه سوسیالیسم میدان داده است. امپریالیسم بردارنده سیاستهای تعرضی خود علیه اردوگاه افزوده است. لذا تضاد میان اردوگاه نتوانسته و نمی تواند تخفیف یابد. تجربه چین نیز از رزترین گواه این حقیقت است. علیرغم امتیازات متعددی که چین توام با سیاستهای اپورتونیستی و راست روانه خود به امپریالیست ها داده بودیمحض اینکه با دست کشیدن از استراتژی سه جهان در جهت بهبود مناسبات خود با کشورهای اردوگاه سوسیالیسم بویژه اتحاد جماهیر شوروی گام برداشت، تضاد میان این کشور با دول امپریالیست بویژه امپریالیسم آمریکا حاد گردید، امپریالیسم آمریکا با تمام قوا به پشتیبانی از جریاناتی برخاست که خواستار بسط و گسترش رفرم یعنی بسط دامنه مناسبات سرمایه داری و لیبرالیسم سیاسی بودند. بنا بر این امتیازاتی که کشورهای سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی طی دو سال گذشته در زمینه سیاست خارجی امپریالیسم داده اند نه تنها نمی تواند تضاد میان اردوگاه را که دارای خصلت آنتاگونیستی است تخفیف دهد بلکه با میدان دادن به تعارض امپریالیسم، این تضاد را تشدید خواهد کرد.

وبالآخره در بررسی اوضاع سیاسی جهان تضادهایی که از ما هیت عصر کنونی ناشی میگردند



با یدبه تشدیدتضامان امپریالیسم و خلقهای کشورهای تحت سلطه و وابسته اش را کرده. امپریالیسم که در چنگال یک بحران همه جانبه گرفتار است، بر دامنه و ابعادا رتگرایی خودر کشورهای تحت سلطه و وابسته افزوده است و میکوشد از طریق غارت و چپاول و استثمار کارگران و زحمتکشان این کشورها بحرانهای خودرا تخفیف دهد و از حداث تضادهای درونی خود بکاهد. صدور سرمایه های امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه و وابسته با چنان ابعاد و استثمات همراه است که مطابق محاسبات سازمانهای بین المللی، طی یک دوره کوتاه ۸ ساله، انحصارات امپریالیستی در ازماء هر دلار سرمایه گذاری در کشورهای فوق الذکر بطور متوسط دودلار سود برده اند. بعلاوه انحصارات بین المللی از اوائل دهه ۸۰ مدواما قیمت مواد اولیه، محصولات کشاورزی و تولیدات معدنی را کاهش داده که این کاهش تنها در فاصله دوسال به ۲۰ درصد رسیده است.

کشورهای تحت سلطه و وابسته که در تقسیم کار سیستم جهانی اقتصاد امپریالیستی نقش تولیدکننده مواد اولیه و خام را بر عهده دارند و اساسا درآمد آنها متکی به یک یا دو محصول می باشد، از این طریق نیز در معرض غارت و چپاول انحصارات بین المللی قرار گرفته اند. اما مسئله تنها بهمین جا ختم نمی شود. امپریالیستها از طریق صدور سرمایه های استقرای به کشورهای تحت سلطه که با نرخ بهره سنگینی همراه است و اغلب نیز در جهت حفظ سلطه امپریالیسم خرج میشود، سودهای بسیار کلانی بجیب زده و میزنند. رقم بدهی کشورهای عقب مانده به دول و انحصارات امپریالیستی که در ۱۹۷۰ به ۱۸۰ میلیارد دلار رسیده بود، در یک دوره ده ساله به بیش از ۵ برابر افزایش یافت و در ۱۹۸۰ به ۱۰۰۰ میلیارد دلار رسید. هم اکنون رقم این بدهی از ۱۲۰ میلیارد دلار نیز تجاوز کرده است. با ارضای این غارت و چپاول امپریالیستی بردوش کارگران و زحمت کشان کشورهای تحت سلطه و وابسته قرار دارد که توسط انحصارات امپریالیستی و بورژوازی داخلی کشورهای فوق الذکر به شدیدترین وجه ممکن استثمار میشوند و با فقر و بدبختی غیر قابل تصویری دست به گریبانند. امپریالیسم نه فقط به غارت و چپاول و استثمار خلقهای کشورهای تحت سلطه می پردازد بلکه از طریق بورژوازی وابسته داخلی و رژیم های دست نشانده و ارتجاعی به سرکوب توده های مردم می پردازد. این مجموعه سیاستهای غارتگرانه، استثمارگرانه، تجار و کارخانه و سرکوبگرانه امپریالیسم، تضامان خلقها و ملت های کشورهای تحت سلطه و وابسته را با امپریالیسم تشدید و حاد نموده و نبردهای بخش خلقهای این کشورها علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی پیوسته اعتلا یافته است. امپریالیسم که علیرغم استغاده از تمام ابزارهای نظامی و سرکوب ناتوانی اش را در برابر این موج عظیم جنبشهای

رها ئی بخش نشان داده و مکرر با شکست روبرو شده است، اخیرا علاوه بر مداخله مستقیم و غیر مستقیم نظامی، و حمایت از رژیم های ارتجاعی، تلاش نموده است تا با توسل به سیاست باصطلاح لبرالیزاسیون در برخی از کشورهای وابسته، تعویض دیکتاتورهای عربی با دیکتاتورهای پوشیده، این تضادرا تخفیف دهد و از دامنه اعتلاء جنبشهای رها ئی بخش بکاهد. اما تجربه ادر گذشته نیز نشان داده است که این مانور امپریالیسم برای فریب خلقهای کشورهای تحت سلطه و تخفیف تضامان خلق و امپریالیسم در این کشورها کار ساز زنبوده و نیست. ما دام که امپریالیسم به غارت و چپاول و استثمار خود ادامه میدهد یعنی ما دام که امپریالیسم وجود دارد، این تضاد و ما تشدید میشود.

در نتیجه مجموعه شرایط سیاسی جهان و تشدید تضادهای بحرانهای نظام امپریالیستی، هم اکنون مناطق وسیعی از جهان به کانونهای بحران تبدیل شده اند. این کانونهای بحران انقلابی هم اکنون در تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا به رشد و اعتلاء یکرشته انقلابات انجامیده است. امپریالیسم در آمریکای مرکزی و جنوبی با یک موج نیرومندا ز جنبشهای رها ئی بخش روبروست. این جنبشها در تعدادی از این کشورها بشکل جنبشهای مسلحانه توده ای درآمده اند. پس از نیکاراگوئه اکنون جنبش مسلحانه خلق السالو دور در این قاره پیشتر می باشد. در آسیا جنبش انقلابی خلق فیلیپین علیرغم مانورهای فریبکارانه و سرکوبگرانه امپریالیسم و بورژوازی داخلی در حال رشد و اعتلاء است. افغانستان همچنان خاری در چشم امپریالیسم و تمامی مرتجعین منطقه است. علیرغم خروج نیروهای شوروی از افغانستان، تمام تلاشهای مرتجعین سراسر جهان برای سرنگونی نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات در این کشور، و حمایت بی دریغ مادی، تسلیحاتی، تبلیغاتی و سیاسی امپریالیسم و ارتجاع منطقه بویژه رژیمهای ایران، عربستان و پاکستان از ضد انقلابیون افغان، مقاومت و ایستادگی خلق قهرمان افغانستان ابعاد جدیدی بخود گرفته است و امپریالیسم با زهم با شکستهای دیگری روبرو شده است. در خاورمیانه، جنبش انقلابی خلق فلسطین طی دوسال گذشته از اعتلاء جدیدی برخوردار شده و قیام همگانی توده ای در مناطق اشغالی که متجاوزان یکسال تداوم یافته و حمایت و پشتیبانی افکار عمومی را نیز در مقیاس جهانی برانگیخته، به مرحله ای رسیده است که حتی امپریالیسم و رژیم صهیونیستی اسرائیل را نیز به چاره جوئی واداشته است. مسئله تشکیل دولت مستقل فلسطینی که به تصویب پارلمان در تبعید فلسطین رسید، هر چند گام محدودی در جهت احقاق حقوق مردم فلسطین و حق تعیین سرنوشت آنها محسوب می گردد، اما قطعاً سرنوشت آنها را در مرحله ای جدید در پیروزیهای جنبش مردم

فلسطین محسوب می گردد. در بن مجموعه تحولاتی که اخیرا در جهت رشد و اعتلاء جنبشهای انقلابی در منطقه خاورمیانه صورت گرفته است به یک عا مل مهم نیز باید اشاره کرد و آن تضعیف روزافزون جنبشهای پان اسلامیستی در مقایسه با چند سال گذشته است. شکستهای روزافزون پان اسلامیسم و بر ملا گشتن هر چه بیشتر ما هیئت ارتجاعی آن بویژه در پیگاه اصلی اش ایران، این امکان را تقویت کرده است که جنبشهای مردم منطقه تحت رهبری جریان انقلابی قرار بگیرند. امپریالیسم چندین سال مداوم تلاش نمود تا از طریق پان اسلامیسم جنبشهای ضد امپریالیستی - دمکراتیک و انقلابی مردم کشورهای منطقه را با تحریف بکشاند. اما اکنون این حربه نیز از دست امپریالیسم گرفته میشود.

در منطقه خاورمیانه، ایران که ده سال پیش با یک انقلاب توده ای ضربه ای سهمگین بر پیکر امپریالیسم وارد آورد، اما بدست مرتجعین پان اسلامیست از مسیر خود منحرف گردید، بار دیگر در نتیجه شرایط مساعد داخلی و بین المللی مستعدترین کشور منطقه برای یک انفجار انقلابی است. ده سال حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی در ایران که همراه با تشدید فقر و بدبختی، جنگ، بی حقوقی مردم و سرکوب عنان گسیخته آنها بوده است تضادهای اجتماعی را به سرحد انفجار رسانده است. طی دوسالی که از نخستین کنفرانس سازمان گذشت، صحت ارزیابی ما از اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران عملا نشان داده شد و پارادیکس حقیقت با تار سید که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ چشم اندازی برای بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی متصور نیست. بحران اقتصادی نه تنها بر طرف نشد و حتی تخفیف نیافت بلکه مزمن تر، ژرف تر و عمیق تر گردید و از هم گسیختگی اقتصادی شدت گرفت. علیرغم اینکه یکسال از برقراری آتش بس در جبهه های جنگی گذرد، برخلاف تبلیغات سران حکومت، کود در صنایع و موسسات تولیدی تشدید شده است. حتی برخی از کارخانه ها و موسسات که در خدمت تامين نیازهای جنگی قرار داشتند یا فعالیت خود را متوقف ساخته، یا تولیدات را کاهش داده اند. امروزه کمتر کارخانه و موسسه تولیدی را میتوان سراغ گرفت که بش از نیمی از ظرفیت خود تولید داشته باشد. موسسات تولیدی یا بکل تعطیل شده و یا با ظرفیتی کمتر از ۵۰ درصد فعالیت می کنند. احتمال متوقف شدن تمام فعالیت برخی از موسسات دیگر نیز وجود دارد. روزنامه های رسمی رژیم همه روزه اخبار جدیدی از تعطیل کارخانه ها و موسسات تولیدی منتشر می کنند. مطابق اظهار نظر مقامات حکومتی ظرفیت تولید در واحدهای تولید فولاد ۶/۳ میلیون تن است. اما در حال حاضر تنها ۱/۲ میلیون تن تولید میشود. علیرغم اینکه دوسال پیش اغلب موسسات و کارخانه نجات صنعتی با ظرفیتی کمتر از در صفحه ۱۵

قطعنامه درباره وضعیت کنونی،

وظایف و ناکتیکهای ما

نظریه اینک:

- بحران ژرف و مزمزمن اقتصادی که طی ده سال گذشته پیوسته ادامه داشته، با تشدید روز بروز افزون روپرست.

- این بحران با افزایش تعداد دبیکاران، تشدید و خاست وضعیت کارگران، خانه خرابی و ورشکستگی دهقانان زحمتکش و تورم افسار گسیخته، شرایط مادی زندگی توده ها را جد غیر قابل تحملی و خیم و دشوار نموده است؛

- رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی و خصالت مذهبی اش عموم توده های مردم ایران را از ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی محروم نموده و برای حفظ و بقا حاکمیت خویش به وحشیانه ترین شیوه های سرکوب، ترور و خفقان متوسل گشته و با برقراری یک دیکتاتور عریان و عنان گسیخته این حقیقت را در برابر توده های مردم عیان و آشکار ساخته است که با وجود این رژیم هیچ میدی به کسب آزادی و دمکراسی وجود ندارد؛

- این تشدید و خاست شرایط مادی و معنوی توده ها مداوم و بردامنه ناراضی و اعتراض افزوده و زمینه را برای تشدید بحران سیاسی به شکلی حادث و گسترده تر هموار نموده است؛

- بر سر بحران اقتصادی و سیاسی موجود تضادها و اختلافات درونی هیئت حاکمه مداوم و حادث و عمیق تر شده اند و این تضادها و اختلافات

با توجه به مرگ خمینی، در آینده نیز تشدید خواهد شد و بردامنه و عمق بحران سیاسی خواهد افزود، لذا چشم انداز یک بحران سیاسی بسیار ژرف، اعتلا جنبش توده ای و تشدید مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم در برابر ما قرار گرفته است.

تحت چنین شرایطی طرح شعارهای مستقیماً انقلابی، پیوند مطالبات روزمره با مطالبات بلند واسطه انقلابی، متشکل ساختن توده های مردم حول برنامه حداقل پرولتاریا و طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از طریق اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بمنظور برقراری جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان وظیفه ای مبرم در دستور کار قرار گرفته است.

انجام این وظایف، سازماندهی هر چه وسیعتر کارگران و زحمتکشان، تبلیغ برنامه پرولتاریا در میان وسیعترین بخش توده های مردم و افشای و انفراد لیبرالیسم و فرمیسم را طلب می کند.

اشکال سازماندهی ما در شرایط کنونی که از یک سرکوب عنان گسیخته و سلب هرگونه آزادی حاکم است و از سوی دیگر چشم انداز اعتلای جنبش توده ای در برابر ما قرار دارد، عبارت است از سازماندهی و تحکیم حوزه های مخفی حزبی در محل کار و روزندگی کارگران و زحمتکشان، در کارخانه ها و محلات که توسط یک شبکه از حوزه های علنی کار، تشکلهای قانونی و علنی احاطه شده باشند.

این بدان معناست که از یکسوی بخشی از

حوزه های حزبی مخفی و غیر قانونی تشکیلات بدون آنکه هویت تشکیلاتی خود را فاش سازند باید بتوانند با فعالیت علنی در تشکلهای علنی که در شرایط کنونی موجود بوده و یا امکان سازماندهی آنها وجود دارد نظیر مجامع عمومی کارگری، سندیکاها، تعاونی های کارخانه ها و محلات، صندوقهای مختلف، کلوپها و کانونهای ورزشی کارگری، کتابخانه ها و کانونهای فرهنگی و کلیه تشکلهای قانونی کارگری که به ابزاری سرکوب و تحمیلی کارگران تبدیل نشده اند و خلاصه استفاده از هر مکان قانونی و علنی که امکان سازماندهی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را تسهیل می نماید، نقشی فعال در امر سازماندهی ایفاء نمایند.

از سوی دیگر بخشی از حوزه های مخفی حزبی که وظایف تبلیغ و ترویج و سازماندهی را در به شکل علنی و قانونی بلکه بشکل مخفی و غیر قانونی انجام میدهند، باید نقش فعالتری در سازماندهی کمیته های غیر حزبی مخفی کارخانه برعهده گیرند. این کمیته های کارخانه که بنا به شرایط مختلف از جمله سطح آگاهی کارگران قشار پلیسی و غیره می توانند دربرگیرنده تعداد بیشتری از کارگران باشند، بویژه از آن جهت حائز اهمیت اند که در وضعیت کنونی میتوانند با توجه به سطح مبارزه کارگران، مبارزه اقتصادی و سیاسی آنها را سازماندهی و رهبری کنند، و در عین حال قادرند در شرایط اعتلا جنبش کارگری سریعاً به کمیته های اعتصاب و اسپیس شوراها ارتقاء یابند. در صفحه ۱۲

از صفحه ۲۰

پیام شرکت کنندگان در دومین کنفرانس به طبقه کارگر

را مستقر سازند.

در این میان وظیفه ای با زهم سنگین ترا ز گذشته در برابر کارگران پیشرو و آگاه قرار دارد و آن تلاش هر چه بیشتر برای متشکل کردن توده های کارگر، آگاه نمودن آنها بمنافع طبقاتی خود و نقش و رسالت طبقه کارگر است.

رفقای کارگر پیشرو و آگاه بمنافع طبقاتی خود باید با استفاده از تمام وسایل و ابزارهای ممکن، توده های کارگران در تشکلهای علنی و مخفی متشکل سازند و آماده کنند. شرایط سرکوب و اختناق حاکم ایجاب میکند که کارگران برای پیشبرد مبارزه خود در کمیته های مخفی کارخانه کارخانه که امروزه میتوانند با توجه به اوضاع سیاسی موجود، مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگران را سازماندهی و رهبری کنند، از آن جهت نیز حائز اهمیت اند که در آینده و بهنگامی که جنبش از اعتلاء گسترده ای برخوردار گردید، قادرند به کمیته های اعتصاب و شوراها ارتقاء یابند. اما ناکید بر ضرورت و اهمیت کمیته های مخفی کارخانه در وضعیت کنونی، هرگز بمعنای فراموش کردن نقش تشکلهای توده ای علنی و قانونی نیست. هر کارگر پیشرو و آگاهی باید تلاش کند که از همه امکانات و ابزارهای علنی و قانونی برای متشکل کردن توده کارگر و آگاه نمودن آنها استفاده کند. باید در هر کجا که امکان تشکیلی اتحادیه های کارگری، مجامع و کانونهای فرهنگی و ورزشی کارگری، صندوقهای مختلف، تعاونیها و غیره وجود دارد، از این طریق به متشکل ساختن کارگران همت گماشت. حتی با ید ز تشکلهای قانونی موجود بین شرط که حقیقتاً تشکل های توده ای باشند و به ابزار سرکوب و تحمیلی تبدیل نشده باشند حداقل اکثر استفاده را برای متشکل نمودن کارگران کرد. طبقه کارگر برای آنکه بتواند نقش و رسالت خود را انجام دهد، راه دیگری جز تشکل ندارد.

رفقای کارگر!

متشکل شوید! مبارزه خود را علیه رژیم و سرمایه داران تشدید کنید! اجازه ندهید اقشار و طبقات غیر پرولتر در رأس جنبش قرار بگیرند! ابتکار عمل را در دست بگیرید!

سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک بعنوان هدف فوری طبقه کارگر تنها با رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است. این وظیفه ایست که در شرایط کنونی در برابر طبقه کارگر ایران قرار گرفته است.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

زنده با دسوسیالیسم

شرکت کنندگان در دومین کنفرانس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

خردادماه یک هزار و سیصد و شصت و هشت

برنامه مصوب دومین کنفرانس

کارگرمزدبگیر به سرمایه افزایش یا بدو سرمایه داران امکان بیشتری بیابند تا درجه استثمار کارگران را بالا ببرند.

از اینرو وجود یک ارتش عظیم از بیچارگان سبب شده است که کارگران با عرضه ارزان نیروی کار خود، در معرض ستم و استثمار شدیدتری قرار گیرند و سطح استثمار آنها فوق العاده افزایش یابد.

۶- بحرانهای اقتصادی که بر اثر تضاد ذاتی سرمایه داری به نحو اجتنابناپذیری بطور ادواری بروز می کنند در ایران بر اثر وابستگی اقتصادی، بطور مداوم و کم سابقه ای تشدید میشوند و طولانی ترمی گردند، این روند را با زهم بیشتر شدت می بخشند، بحرانها و دوره های رکود، از یک سو خانه خرابی تولیدکنندگان خرد را تشدید می کنند و از سوی دیگر وابستگی کارگرمزدبگیر به سرمایه افزایش می یابد و با سرعت بیشتری منجر به وخامت نسبی و گاه مطلق وضعیت طبقه کارگرمی گردند. فقر و بدبختی، عدم اعتماد به آینده و فقدان تائید اجتماعی به نحو روزافزونی بیشتر میشود و نا برابری و شکاف میان ثروتمندان و تهیدستان مدام عمیق تر و وسیع تر می گردد.

۷- از اینرو به نسبت اینکه تضادهای ذاتی سرمایه داری رشد میکنند و توسعه می یابند، بر نارضایتی و اعتراض کارگران افزوده میشود، قدرت و همبستگی آنها افزایش می یابد، مبارزه آنها با استثمار کارگران تشدید میشود و تلاش برای رهایی از یوغ تحمل نا پذیر سرمایه بیشتر میشود. در عین حال روند توسعه سرمایه داری با تمرکز بخشیدن به وسائل تولید و مبادله و اجتماعی کردن پروسه کار در موسسات سرمایه داری، بطور مداوم امکان مادی جایگزینی روابط تولید سوسیالیستی به جای روابط تولید سرمایه داری، و بعبارت دیگر شرایط مادی انقلاب اجتماعی را که هدف نهایی تمام فعالیتها ی کمونیست است، هر چه بیشتر فراهم میسازد.

۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریا با جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به جای مالکیت خصوصی بروسائل تولید و مبادله و نیز تولید اجتماعی سازمان یافته و برنامه ریزی شده، به نا برابری اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم جامعه به طبقات پائین و بالا هدبخشید و بدین ترتیب تمام بشریت ستم دیده را آزاد خواهد کرد.

۹- شرط لازم برای انقلاب اجتماعی پرولتاریا، دیکتاتور پرولتاریا است که طبقه کارگر را قادر میسازد و متاستثمار کارگران را درهم شکنند و موانعی را که بر سر راه هدف بزرگش قرار داده، از میان بردارد.

۱۰- رهایی طبقه کارگر تنها بدست خود طبقه کارگرمیسازد. چرا که تمام طبقات دیگر جامعه علیه رزم اختلاف منافی که با خود دارند، همگامی نخواهان حفظ شالوده های نظام سرمایه داری اند.

۱۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) وظیفه خود می داند که تضاد ذاتی نا پذیر میان کارگران و سرمایه داران را فاش سازد. اهمیت تاریخی و شرایط لازم برای انقلاب اجتماعی را به پرولتاریا توضیح دهد و چاره نا پذیری موقعیت توده های زحمتکش و استثمار شده دیگر را در جامعه سرمایه داری، و نیز نیاز به یک انقلاب اجتماعی را برای رهایی آنان از یوغ سرمایه آشکار سازد.

۱۲- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) تمام اقشار توده های زحمتکش و استثمار شده را تا آنجا که موضع پرولتاریا را اتخاذ می کنند به صفوف خود فرا میخواند.

۱۳- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) خود را موظف میدانند که در راه تشکیل حزب کمونیست ایران که قادر باشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در تمام اشکال تجلی آن تا نیل به هدف نهایی رهبری کند، تلاش ورزد.

۱۴- سرمایه داری جهانی تقریباً از آغاز قرن بیستم به امپریالیسم که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه داریست تبدیل شده است که در آن اتحادیه های انحصاری سرمایه داران، کارتلها و تراستها نقش تعیین کننده ای یافته اند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) که مدافع منافع طبقه کارگر بطور خاص و از موضع طبقه کارگر، مدافع منافع عموم توده های زحمتکش ایران است، اهداف و مقاصد خود را آشکارا بصورت یک برنامه اعلام می دارد.

این برنامه که در حقیقت کیفیت خواست کارگران ایران علیه نظام مبتنی بر ستم و استثمار سرمایه داری و ستم محکومیت قطعی این نظام محسوب می شود، در عین حال، اعلان جنگ نهایی به تمام سرمایه داران و کلیه مرتجعینی است که مدافع وضعیت فلاکتبار کنونی و نظام مبتنی بر بردگی کارمزدوری هستند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، به منظور تحقق این اهداف فکری چیزی جدا از اهداف و منافع طبقه کارگر نیست، عموم کارگران و زحمتکشان استثمار شده و ستم دیده ایران را به تشکل و اتحاد حول این برنامه فرا می خواند.

☆☆☆

۱- توسعه مبادله بین المللی و تولید برای بازار جهانی، آنچه ناسب است نزدیکی میان تمام ملتهای جهان بوجود آورده است که جنبش رهایی بخش کبیر پرولتاریا، بنا گزیر می یابستی بین المللی شود و از مدتها پیش نیز بین المللی شده است.

۲- مابنا به ادامه دهندگان راه حزب کمونیست ایران که در سال ۱۲۹۹ تا سیس گردید و بیگانه سازمان طبقاتی انقلابی کارگران ایران بود، خود را گردانی از ارتش جهانی پرولتاریا و بخشی از جنبش کمونیستی جهانی تلقی می نمایم و برای همان هدف نهایی مبارزه می کنیم که کمونیستهای سراسر جهان.

این هدف نهایی بوسیله خصلت جامعه سرمایه داری و روند توسعه آن تعیین گشته است.

۳- شیوه تولید سرمایه داری که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالای مبتنی بر روابط تولید سرمایه داری است و در آن مهمترین و اساسی ترین بخش وسائل تولید و مبادله به اقلیتی محدود تعلق دارد، در حالیکه اکثریت جمعیت مرکب از پرولترها و نیمه پرولترها بنا به موقعیت اقتصادی خود ناگزیرند بطور مداوم و بی متنا و بنیروی کار خود را به سرمایه داران بفروشند و استثمار شوند و با کار خود درآمد طبقات ثروتمند را بوجود آورند، با تحولاتی که در آغاز دهه چهل در ایران بوقوع پیوست، مسلط شد.

۴- این تحولات که بر مبنای رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالای و نیز نیاز سرمایه های امپریالیستی صورت گرفت، مناسبات تولید کالای را تا اقصی نقاط کشور گسترش داد.

۵- ایران که تا پیش از فرمهای اوائل دهه چهل به مثابه تولیدکننده محصول واحد صنعت در سیستم جهانی تقسیم کار امپریالیستی جای گرفته بود، از این پس به نحوی همه جانبه تر در نظام جهانی اقتصادی امپریالیستی ادغام گردید و به آن وابسته شد.

۶- مسلط شدن شیوه تولید سرمایه داری در ایران، که با صدور روزافزون سرمایه های امپریالیستی، گسترش صنعت نوین و استفاده از تکنیکهای جدید همراه بوده است، بطور مداوم منجر به زمیندانی بیرون رانده شدن موسسات کوچک بوسیله موسسات بزرگ شده است. تولیدکنندگان کوچک که یاری مفاومت در برابر موسسات بزرگ را ندارند، دائماً خانه خراب میشوند، برخی به پرولتاریا تبدیل می گردند، نقش دیگران در عرصه اقتصادی و اجتماعی محدودتر می شود و در پی راهای موارده نحو مشقت باوری به سرمایه وابسته می گردند.

۷- پیشرفتهای تکنیکی که سرمایه داران را قادر میسازد به نحو فزاینده ای از کار زنان و کودکان در پروسه تولید و مبادله استفاده کنند و نیز قدرت جذب بسیار محدود نیروی کار در سرمایه داری وابسته ایران سبب شده است که مدام تقاضای نیروی کار را زعرض آن عقب بماند، وابستگی

رفرمیستی یا سوسیال شوونیستی تکامل نیافته اند، در جنبش کمونیستی جای دارند.

- یگانه خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که مامدافع پیگیر آن هستیم مارکسیسم - لنینیسم را یگانه ایدئولوژی طبقه کارگر می شناسد و با پذیرش عصر کنونی به عنوان عصر انقلابی تپرولتاری، و نیز انقلاب قهری، دیکتاتور تپرولتاریا و اردوگاه سوسیالیستی به مثابه متحد جهانی پرتاریا، با "اوروکومونیسیم" "ترتسکیسم" "خروشچفیسیم" و تمامی انحرافات مضمونه های کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست تا حد جماعی هیرشوروی، (نظیر گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم، تزاره رشد غیر سرما یه داری خروشچفی، رقابت اقتصاد به عنوان مهمترین قلمرو نبرد و اردوگاه، دولت و حزب عموم خلق...) و نیز مداخله استراتژی "سه جهان" و احیای سرما یه داری در شوروی، مرز بندی قاطع دارد.

- از این رو خط مارکسیستی - لنینیستی، خط انترناسیونالیستی و انقلابی پرتولتری ما بر مبنای اتحاد دو همکار تپام با خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی، دشمنی و مبارزه قاطعانه با خطوط اپورتونیستی - رفرمیستی و سوسیال شوونیستی و با حفظ موضع مستقل، اتحاد دومبارزه ایدئولوژیک با جریان تپامی که به گرایش تانحرافی رویزیونیستی دچار شده اند، استوار می باشد.

* کمونیستهای کشورهای مختلف در راه اهداف تپامی مشترک خود که توسط غلبه شیوه تولید سرما یه داری در سراسر جهان معین شده است تا گذار از اتحاد نوظافت فوری غیر متشابه اند. زیرا سرما یه داری در تمام کشورهای به یک درجه توسعه نیافته و در کشورهای گوناگون، سرما یه داری در محیط سیاسی و اجتماعی گوناگونی توسعه می یابد.

در ایران جایی که سرما یه داری هم اکنون به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است به سبب سلطه امپریالیسم، وابستگی اقتصاد و بقایای متعبد نظام تپام قبل سرما یه داری که موانع عمده ای بر سر راه پیشرفت اقتصاد و بسط کامل و همه جانبه مبارزه طبقاتی پرتولتری محسوب میشوند، است. اقتصاد و سیاسی که بر میلیونها تن از توده های مردم اعمال میشود و دیکتاتور تپامی و عیان و عیان گسیخته ای که به مثابه جزء لاینفک روبنای سیاسی سرما یه داری وابسته، توده وسیع مردم را در نا آگاهی و نا بقا دنگاه داشته است، پرتولتری ایران نمی تواند هدف فوری خود را انقلاب سوسیالیستی قرار دهد.

- بدین جهت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را در جهت بر انداختن سلطه امپریالیسم و یگانه اجتماعی آن (بورژوازی وابسته) قطع هرگونه وابستگی اقتصاد، سیاسی و نظامی به امپریالیسم و دمکراتیزه کردن جامعه را به منظور تسهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم و وظیفه نخست و فوری خود قرار می دهد.

* انقلاب ایران بخشی از انقلاب جهانی پرتولتری سوسیالیستی محسوب می گردد.

- جمهوری دمکراتیک خلق که حاصل قیام مسلحانه توده ها و تلبلیور اراده آنها محسوب می گردد، یک دمکراسی توده ای است که در آن اعمال حاکمیت مستقیم و بلاواسطه توده ها جایگزین بوروکراسی، ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم، خواهد شد.

- از این رو در جمهوری دمکراتیک خلق:
۱- ارتش، پلیس، سپاه، کمیته ها، بسیج، ژاندارمری و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم منحل خواهد شد و تسلیح عمومی خلق و ارتش توده ای جایگزین آنها خواهد گردید.

۲- تمام دستگاه بوروکراتیک برچیده خواهد شد و اعمال حاکمیت در صفحه ۱۳

- در این مرحله از تکامل سرما یه داری، سرما یه بانکی با سرمایه صنعتی ادغام شده، صدور سرما یه به کشورهای خارجی ابعاد وسیعی بخود گرفته، جهان از نظراتی بین کشورهای امپریالیست تقسیم گشته و تقسیم اقتصاد جهانی بین تراستهای بین المللی آغاز شده است.

در این مرحله از تکامل سرما یه داری، جنگهای امپریالیستی که با رزترین آنها جنگهای جهانی اول و دوم بوده است برای تسلط بر جهان، کسب بازارهای جدید و نقیادملل کوچک و خلقهای عقب مانده اجتنابنا پذیر شده است. امروز سرکردگی امپریالیسم جهانی را امپریالیسم آمریکا به مثابه سنگر اصلی ارتجاع جهانی و ژاندارم بین المللی برعهده گرفته است، که مسابقه تسلیحاتی امپریالیستهای جنگ طلب راهبری میکند. بلوکهای متجا و نظامی را تحکیم می بخشد، دست به ماجراجویی نظامی میزند و خطر بروز یک جنگ هسته ای را تشدید می کند.

- امپریالیسم آمریکا اصلی ترین دشمن مشترک کلیه نیروهای سوسیالیست در راه استقلال، دمکراسی و سوسیالیسم پیکار می کنند.

- سطح فوق العاده بالای تکامل سرما یه داری جهانی، جایگزینی رقابت آزاد با سرما یه داری انحصاری، افزایش هزینه های زندگی، رشد میلیتاریسم و هزینه های ناشی از آن، موانع بزرگی که امپریالیسم بر سر راه مبارزه اقتصاد و سیاسی طبقه کارگر گردیده آورده است، فقر، خانه خرابی و عدم اعتماد به آینده، همه این عوامل مرحله کنونی تکامل سرما یه داری را به عصر انقلابی سوسیالیستی پرتولتری تبدیل نموده است. این عصر مدتهاست که آغاز شده و شکوه مندترین نمود آن انقلاب پیروز مند کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، انقلاب تشرق اروپا، جنوب شرقی آسیا، آمریکای لاتین و تشکیل یک اردوگاه از کشورهای سوسیالیستی در مقابل اردوگاه امپریالیسم است.

- تنها انقلاب سوسیالیستی پرتولتری میتواند بشریت را از شر جنگها و تمام مصائبی که امپریالیسم به بار آورده است رها می بخشد.

۱۳- فرارسیدن عصر انقلابی پرتولتری، امر آمانده نمودن همه جانبه پرتولتری را برای کسب قدرت سیاسی، بر انداختن نظام سرما یه داری و استقرار سوسیالیسم به وظیفه مبرم روز تبدیل نموده است.

انجام این وظیفه، مبارزه بی رحمانه علیه تمام اشکال اپورتونیسم را که به صور مختلف موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی پرتولتری، رسالت تاریخی و هدف تپامی آن محسوب می گردند و گسست قطعی از هرگونه اپورتونیسم را می طلبد. از بدگاه سازمان ما:

- خط اپورتونیستی - رفرمیستی که بانفی نظری یا عملی انقلاب قهری و دیکتاتور تپامی پرتولتری، مارکسیسم - لنینیسم را از جوهر انقلابی اش تهی ساخته و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را جایگزین مبارزه طبقاتی انقلابی پرتولتری نموده است، نظیر اوروکومونیسیم در کشورهای اروپای و سوسیال - رفرمیستهای نظیر حزب توده و "اکثریت" در ایران.

- خط سوسیال - شوونیستی، یعنی سوسیالیست در گفتار و شوونیست در کردار و نیز جریانات تر و تسکیست که عمال خرابکار بورژوازی بین المللی در جنبش طبقه کارگر محسوب میشوند، جملگی خائن به طبقه کارگر و بطور کلی مرتد محسوب میشوند.

- بعلاوه امروزه در جنبش کمونیستی جهانی احزاب و سازمانهای نیز وجود دارند که گرچه از مارکسیسم - لنینیسم منحرف شده اند، اما این انحرافات منجر به تسلط خط اپورتونیستی - رفرمیستی یا سوسیال - شوونیستی در این احزاب و سازمانها نشده است بلکه به گرایش تانحرافی رویزیونیستی راست (نظیر احزاب کمونیست شوروی، آلمان دمکراتیک و چکسلواکی) و یاپچ (نظیر حزب کمونیست آلبانی) در غلطیده اند. از این رو امکان تغییر و اصلاح در آنها وجود دارد و ما مکه به یک جریان اپورتونیستی -

اساسنامه مصوب دومین کنفرانس

فصل اول - نام، اهداف و پرچم سازمان.

ماده ۱- سازمان چریکهای فدائى خلق ایران (اقلیت) به مثابه پیشا هنگ طبقه کارگر، یکسازمان مارکسیست-لنینیست است که هدف خود را سوسیالیزم و کمونیسم از طریق دیکتاتورى پرولتاریا اعلام می دارد. به علاوه پرورش روحیه انترناسیونالیستی و همبستگی با کارگران سراسر جهان از جمله اهداف دیگر سازمان به شمار می آید. رهنمون عمل سازمان در کلیه فعالیتهاى انقلابى اش، مارکسیسم-لنینیسم است که به طبقه کارگر راه صحیح پایان بخشیدن به استثمار فردا ز فردا آزادى کامل این طبقه را نشان میدهد.

ماده ۲- آرم و پرچم سازمان.

بند ۱- آرم سازمان چریکهای فدائى خلق ایران (اقلیت) یکداس و چکش متقاطع، مسلسل، ستاره، کره ارض و نقشه ایران است. در قسمت زیر آرم، یکنوشته مژور "سازمان چریکهای فدائى خلق ایران" خواهد بود.

بند ۲- پرچم سازمان چریکهای فدائى خلق ایران (اقلیت) یک پرچم سرخ است که طول آن یکونیم برابر عرض آن می باشد. گوشه بالای سمت چپ پرچم، آرم سازمان به رنگ سفید خواهد بود.

فصل دوم - درباره اعضا و کاندیداهاى عضویت

ماده ۳- هرکس که بر نامه و اساسنامه سازمان را بپذیرد، فعلا لانه در جهت تحقق آن مبارزه کند، در یکی از بخشهای تشکیلات فعالیت نماید، کلیه تصمیمات سازمان را اجرا کند و حق عضویت بپردازد زمینیتا ندبه عضویت سازمان درآید.

ماده ۴- حداقل سن برای عضویت در سازمان ۱۸ سال تمام میباشد.

ماده ۵- کلیه کسانی که خواستار پذیرش به عنوان کاندیداى عضویت در سازمان هستند، باید توسط دو عضو سازمان معرفی شوند.

ماده ۶- اعضا معرف کاندیدا در قبالی صحت توصیه های خود مسئولند.

ماده ۷- ارگان تصمیم گیرنده پذیرش کاندیداى عضویت، کمیته هر بخش، شهرستان یا منطقه می باشد. این تصمیم باید به تصویب کمیته منطقه برسد.

ماده ۸- از زمانیکه یک فرد بعنوان کاندیداى عضویت پذیرفته شد دارای حقوق و وظایف یک عضو خواهد بود مگر در مورد انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگانهای سازمان

ماده ۹- دوره آزمایشى عضویت (از کاندیدا به عضو) حداقل یکسال فعالیت در ایران است. پس از انقضای یکسال باید وضع کاندیدا روشن شود. این تصمیم شامل قبول عضویت، تجدید دوره آزمایشى (به مدت یک سال) و یا رد عضویت بطور کلی خواهد بود.

- دوره آزمایشى عضویت برای کارگران ۶ ماه است. این دوره آزمایشى حداکثر ۲ بار تجدید میشود.

ماده ۱۰- پذیرش به عضویت سازمان تنها بصورت فردى انجام می گیرد و اعضاى جدید از میان کاندیداهاى عضویت پذیرفته میشوند.

ماده ۱۱- ارگان تصمیم گیرنده پذیرش عضویت، کمیته منطقه است. این تصمیم باید به اطلاع کمیته مرکزی برسد.

ماده ۱۲- کسانی که عضو سازمان دیگری بوده و یا قبول بر نامه منبسه و اساسنامه سازمان تقاضای عضویت کنند، کمیته مرکزی به امر پذیرش آنها رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۱۳- عضوی که بخواهد استعفا دهد، استعفانامه را به کمیته محل فعالیت خود تسلیم میکند، و ا حدمربوطه در صورتیکه استعفا را پذیرفت، موضوع را به کمیته مرکزی گزارش می کند. اگر استعفا دلیل سیاسى داشته باشد یا استعفا کننده مشمول اتهام و نقض جدی دیسیپلین سازمانى شود، استعفا می تواند رد شود و حکم به اخراج وی از سازمان داده شود.

ماده ۱۴- وظایف اعضا

بند ۱- هر عضو موظف است کلیه مفاد اساسنامه، آئین نامه و ضوابط و

مقررات تشکیلاتی را اکیدا رعایت کند و دستورات سازمانى متابعت نماید.

بند ۲- هیچکدام از اعضا سازمان حق ندارند عضویت سازمان سیاسى دیگری را بپذیرند.

بند ۳- صرف پذیرش تصمیمات سازمانى برای هر عضو کافی نیست، بلکه هر عضو وظیفه دارد فعلا لانه در جهت تحقق تصمیمات، سیاستها و رهنمودهای سازمانى مبارزه کند. برخورد منفعل به تصمیمات سازمان موجب تضعیف قدرت مبارزاتی سازمان میشود و مغایر اساسنامه کارى تشکیلاتى است. هر عضو سازمان با یستی همیشه در قبالی تصمیمات متخذه موضعی فعال و انقلابى داشته باشد.

بند ۴- دفاع قاطع از وحدت و انسجام سازمان که شرط اصلی توان و قدرت آن محسوب میگردد و مبارزه علیه هرگونه محفل گرائى، دسته بندى و فراقسیونیسیم، از وظایف خطیر هر عضوی می باشد.

بند ۵- هر عضو باید نمونه اخلاق کمونیستی را چه در محیط فعالیت خود و چه در محیط اجتماعى و زندگی فردى از خود ارائه دهد.

بند ۶- هر عضو موظف است منظمأ در جلسات تشکیلاتى خود شرکت نماید. در صورتى که عضو سازمان به مدت ۲ ماه بدون عذر موجه در جلسات شرکت ننماید، سازمان با یستی مسئله ابقاء او را در صفوف خود مورد بررسی قرار دهد.

بند ۷- تقویت مداوم پیوند با طبقه کارگر، و انگش مناسب و موقع به نیازها و درخواستهای زحمتکشان، توضیح سیاست و تصمیمات سازمان پیرامون مسائل اجتماعى به توده های غیر سازمانى و در درجه اول طبقه کارگر، از اهم وظایف هر عضوی می باشد. یک عضو سازمان باید با طرد اشتباه شده قدرت و شکستنا پذیری سازمان در پیوند حیاتى و ناگستنى آن با طبقه کارگر نگرفته است.

بند ۸- حفاظت از اسرار، اسناد و اموال سازمان و وظیفه هر عضو محسوب میشود.

بند ۹- اعضا موظفند در ارتقاء کارآئى های عملی خود سازمان بکوشند و پیوسته با مطالعه مارکسیسم-لنینیسم در جهت ارتقاء سطح آگاهی خود نهایت تلاش را مبذول دارند.

بند ۱۰- اعضا موظفند انتقاد و انتقاد ز خود را با دید کمک به یکدیگر و بهبود کار فردى و جمعی بکار بندند و کلیه انتقادات خود را در هر زمینه فعالیت سازمانى و نسبت به هر عضو ارگان تشکیلاتى که باشد به ارگانهای بالاتر تا کمیته مرکزی گزارش کنند.

بند ۱۱- هر عضو موظف است نسبتا رفیقانه را در سازمان تقویت کند و روحیه همبستگی و رفقاقت را در سازمان پرورش دهد.

بند ۱۲- اعضا وظیفه دارند منافع طبقه کارگر و سازمان را بالاتر از منافع شخصی خود بدانند.

تبصره - کلیه موارد فوق از وظایف کاندیداهاى عضویت نیز می باشند و در این موارد بین عضو کاندیداى عضویت تفاوتى وجود ندارد.

ماده ۱۵- حقوق اعضا

بند ۱- هر عضو سازمان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگانهای سازمان را دارا می باشد.

بند ۲- هر عضو حق دارد آزادانه و فعلا لانه در بحثهای مربوط به سیاست سازمان در جلسات تشکیلاتى و بولتن های بحث شرکت داشته باشد و اظهار نظر نماید.

بند ۳- هر عضو دارد در جهت پیش برد اهداف سازمان در بالاترین حوزه فعالیت خود از تصمیمات متخذه ارگانهای تشکیلاتى و مسئولین مربوطه انتقاد کند و این ارگانها موظف به توضیحات قانع کننده در این زمینه می باشند.

میشود و مشمول تنبیه انضباطی است.

د- تنبیهات انضباطی که به منظور کمک به آموزش، تصحیح نواقص و اشتباهات، آگاهی به لزوم دیسپلین سازمانی، حفظ وحدت، انسجام و خلوص تشکیلاتی اعمال می گردند، در صورتی اتخاذ میشوند که شیوه های دیگر از جمله شیوه های اقناعی و انتقاد و انتقاد از خود موثر واقع نشده باشند. تنبیهات انضباطی بسته به خطاها و اشتباهات شامل موارد زیر می باشند:

- ۱- اخطار
- ۲- توبیخ
- ۳- برکناری از مسئولیت در سازمان
- ۴- تعلیق عضویت حداکثر به مدت یکسال
- ۵- اخراج

- تنبیه انضباطی علیه هر عضو توسط ارگانی که به آن تعلق دارد، و یا ارگان بالاتر اتخاذ می گردد اما تصمیم به تعلیق و اخراج از سوی کمیته های سازمانی با یدبه تصویب کمیته مرکزی سازمان برسد.

- عضو اخراج شده سازمان تنها با تصمیم کمیته ای که اخراج را پیشنهاد نموده و تصویب کمیته مرکزی میتواند بده سازمان بازگردد.

- در کلیه موارد تنبیه انضباطی، حق فرجام خواهی وجود دارد.

- در صورت نقض مداخله و تصمیما توسط سازمان از سوی کمیته های تشکیلاتی، یا نقض فاحش دیسپلین و فعلیتهای ضد تشکیلاتی، کمیته مرکزی سازمان سیاست انضباطی به مورد اجرا درمی آورد و حتی دست به انحلال کمیته و ایجاد کمیته جدید میزند.

فصل چهارم - ارگانهای عالی سازمان

ماده ۱۹ - کنگره سازمان.

بند ۱ - کنگره عالی ترین ارگان سازمان است و تصمیما آن برای کلیه اعضا الزام آوری باشد.

الف - کنگره عادی سازمان هر دو سال یکبار توسط کمیته مرکزی سازمان فراخوانده میشود.

ب - کنگره اضطراری سازمان توسط کمیته مرکزی یا طبق مصوبه نشست نمایندگان کمیته های تشکیلات فراخوانده میشود. این نشست با درخواست اکثریت اعضای تشکیلات یک منطقه برگزار میشود.

تبصره: در صورتیکه کمیته مرکزی سازمان طی مهلتی که در اسما سنامه ذکر شده است، کنگره عادی را فراخواند یا از تقاضای برگزاری کنگره اضطراری توسط نشست نمایندگان کمیته های تشکیلات خودداری نماید، نمایندگان می توانند یک کمیته برگزار کننده کنگره تشکیل دهند. این کمیته از حقوق کمیته مرکزی برای برگزاری کنگره برخوردار خواهد بود.

ج - تاریخ و محل کنگره عادی و اضطراری را کمیته مرکزی در جلسه ای که به همین منظور تشکیل می دهد تعیین خواهد کرد.

د - فراخوان کنگره، دستور جلسه و قطعنامه های آن حداقل سه ماه قبل از تاریخ برگزاری کنگره به تشکیلات اعلام میشود. فراخوان کنگره های اضطراری حداقل ۲ ماه قبل از تاریخ برگزاری کنگره اعلام میشوند. پیشنهادهای اصلاحی، مستقیما به کمیته مرکزی فرستاده میشوند و کمیته مرکزی گزارش خود را در مورد آنها به کنگره ارائه می دهد.

ه - ضوابط نمایندگی در کنگره عادی و اضطراری سازمان بر اساس درصدها نمایندگی کمیته های مناطق و کمیته های معادل آن می باشد. درصدها نمایندگان هر کمیته در کنگره تعیین میشود و نحوه انتخاب نمایندگان بر عهده کمیته ها خواهد بود.

و - هر یک از اعضای کمیته مرکزی حق شرکت در کنگره های عادی و اضطراری سازمان را به عنوان یک نماینده با حقوق کامل دارا می باشند.

ز - کمیته مرکزی سازمان میتواند نمایندگان را که حاضر شرايط نیستند یا به عنوان میهمان از سازمانها و احزاب دیگر با نظر مشورتی به کنگره

بند ۴ - هرگاه یک عضو سازمان با تصمیم حوزه یا کمیته در مورد مسائل تشکیلاتی و یا سیاسی مخالفت باشد، حق دارنظر خود را به ارگانهای بالاتر تا کمیته مرکزی ارائه دهد. اما عضو سازمان در تمامی این موارد موظف است تصمیما تا خذ شده را اجرا نماید.

بند ۵ - هر عضو سازمان حق دارد از ارگانهای بالاتر گزارش دهی منظم پیرامون تصمیما متخذه و سیاست سازمان را بخواهد.

بند ۶ - هر عضو دارنظر خود را در مورد مواردی که تصمیمی تنبیهی در رابطه با فعالیت و یا رفتار او اتخاذ میشود، در حوزه یا ارگان مربوطه حضور داشته باشد.

فصل سوم - اصول سازمانیسم دمکراتیک

ماده ۱۶ - ساخت تشکیلاتی و زندگی درونی سازمان بر پایه و تحت هدایت اصول سازمانیسم دمکراتیک قرار دارد. سازمانیسم دمکراتیک یعنی رهبری متمرکز بر پایه دمکراسی درون سازمانی و دمکراسی تحت رهبری متمرکز. این بدان معناست که:

الف - کلیه ارگانهای سازمان از بالا تا پایین انتخابی هستند. تبصره: تا کنگره بعدی سازمان ارگانهای بالاتر - از حق برگماری در ارگانهای پایین برخوردارند.

ب - اقلیت تابع اکثریت است. ارگانهای پایین تر موظف به اجرای دستورات و تصمیما ارگانهای بالاتر می باشند. هر فرد خود را تابع اراده جمع میدانند. کلیه تشکلهای و ارگانهای تشکیلاتی تابع کمیته مرکزی سازمان می باشند.

ج - کلیه کمیته های سازمانی، بخصوص کمیته های رهبری کننده باید همواره به نظرات و انتقادات تشکلهای سازمانی پایین تر و اعضا توجه نمایند.

د - کلیه کمیته ها باید مرتبا فعالیت های خود را به تشکلهای پایین تر گزارش کنند و کمیته های پایین تر نیز موظفند گزارش کار خود را به ارگانهای بالاتر ارائه دهند.

ه - کلیه ارگانهای تشکیلاتی باید اکیدا طبق اصول و تصمیما جمعی و مسئولیتهای فردی عمل نمایند.

و - هیچ جلسه کمیته های تشکیلاتی با کمتر از ۳ نفر رسمیت نمی یابد. ماده ۱۷ - در حیطه زندگی داخلی سازمان، اصول سازمانیسم دمکراتیک زیر اجرا میشوند:

الف - تلاش برای فعال کردن اعضاء سازمان جهت بالا بردن سطح ایدئولوژیک - سیاسی آنها و رشد آگاهی اعضاء.

ب - بحث آزاد در درون کمیته ها و در مورد مسائلی که به سیاستها و فعلیتهای عمومی سازمان مربوط میشود.

ج - مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی به مثابه مکانیزم تحقق دمکراسی سازمانی.

د - تشویق انتقاد و انتقاد از خود بالا تا پایین.

ه - مبارزه مداوم و بی رحمانه علیه تمايلات بوروکراتیک و لیبرالی در تمام سطوح سازمان.

و - غیرمجاز بودن فراکسیونیسیم و تشکیل فراکسیون به هر شکل.

ز - تقویت روحیه حزبی از طریق رشد مناسبات ترفیقا، اعتماد و کمک متقابل.

ماده ۱۸ - دیسپلین سازمانی.

الف - دیسپلین سازمانی جز لاینفک اصول سازمانیسم دمکراتیک محسوب می گردد و اجرای اکید آن برای حفظ و تحکیم وحدت سازمان و ازدیاد قدرت و توان آن در مبارزه امری حیاتی و ضروری محسوب می شود.

ب - دیسپلین بر پایه پذیرش آگاهانه اهداف، برنامه و سیاستهای سازمان استوار است و کلیه اعضاء سازمان موظف به اجراء اکید دیسپلین سازمانی هستند.

ج - نقض اساننامه و تصمیما سازمانی و نیز توسل به هرگونه عمل و رفتاری که شایسته یک عضو سازمان نیست، نقض دیسپلین سازمانی تلقی

دعوت نماید.

ح- کنگره با حضور $\frac{3}{4}$ نمایندگان اجلاس می یابد.
بند ۲- وظایف و قدرت کنگره به قرار زیر می باشد:

الف- انتخاب کمیسیون اعتبارنامه به منظور بررسی اعتبارنامه نمایندگان و گزارش آن به کنگره.

ب- انتخاب یک هیئت رئیسه برای پیشبرد کار کنگره.

ج- بحث و تبادل نظر در مورد گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته مرکزی.

د- تصویب برنامه و اساسنامه یا تجدیدنظر و تغییر برنامه و اساسنامه سازمان.

ه- تعیین خط مشی و تاکتیکهای سازمان در وضعیت جاری.

و- تصویب قطعنامه ها.

ز- تعیین تعداد اعضاء علی البدل کمیته مرکزی با توجه به شرایط و وضعیت سازمان.

ح- انتخاب اعضاء اصلی و علی البدل کمیته مرکزی با رای مخفی.

ماده ۲۰- کمیته مرکزی سازمان.

بند ۱- کمیته مرکزی سازمان بین دو کنگره عالی ترین ارگان رهبری و مرجع تصمیم گیری سازمان محسوب می گردد.

بند ۲- کمیته مرکزی منتخب کنگره است و تنها در مقابل آن مسئول شناخته میشود.

بند ۳- کمیته مرکزی، مسئول اجرای اساسنامه و پیشبرد خط سیاسی و تصمیمات متخذ از طرف کنگره میباشد.

بند ۴- کمیته مرکزی کل سازمان را نمایندگی میکند، کمیته های تشکیلاتی را سازماندهی می نماید، مسئول هدایت و رهبری کل سازمان می باشد و در مورد مسائل سازمانی حق تصمیم گیری کامل را داراست.

بند ۵- کمیته مرکزی سازمان در مورد کلیه مسائلی که به سیاست سازمان در سطح سراسری مربوط میشود، مسائلی که بیش از یک منطقه را در بر می گیرد و یا تصمیم واحد و یکسانی را در سراسر کشور لازم داشته باشد و نیز مسائلی که در منطقه ای مشخص برای اولین بار مطرح می شود و به سیاست عمومی سازمان ارتباط پیدا می کند، حق تعیین سیاست و تصمیم گیری را داراست.

بند ۶- کمیته مرکزی سازمان در مورد کلیه مسائل مربوط به روابط بین المللی و مناسبات با سازمانها و احزاب تصمیم می گیرد و این روابط را تنظیم و نمایندگی می نماید.

بند ۷- اعضاء کمیته مرکزی بنا به وظیفه محوله خود می توانند با تصویب کمیته مرکزی، مشاورینی برای خود انتخاب کنند.

بند ۸- انتخاب دبیر کمیته منطقه، اعضاء کمیته های ویژه و هیئت تحریریه ارگان مرکزی از وظایف کمیته مرکزی است.

بند ۹- جلسات کمیته مرکزی با حضور $\frac{3}{4}$ اعضاء رسمیت می یابد.

بند ۱۰- فاصله زمانی بین نشست کمیته مرکزی نباید از ۳ ماه تجاوز کند.

بند ۱۱- کمیته مرکزی هر شش ماه یکبار گزارش کتبی عملکرد سازمان را به تشکیلات ارائه می دهد.

بند ۱۲- کمیته مرکزی مسئول امور مالی سازمان است.

بند ۱۳- کمیته مرکزی، مسئول با یگانگی اسناد، مدارک و کلیه شناخته شده های سازمانی است.

بند ۱۴- کمیته مرکزی مسئول تدارک و تشکیل کنگره سازمانی (اعم از عادی یا اضطراری) بوده و موظف است گزارش سیاسی و تشکیلاتی به کنگره ارائه دهد.

بند ۱۵- کمیته مرکزی در صورت ضرورت و برای تبادل نظر در مسئله یا

مسائل خاص می تواند پلنوم وسیعی مرکب از اعضاء اصلی و علی البدل کمیته مرکزی، هیئت تحریریه، مشاوران کمیته مرکزی و دبیران کمیته ها تشکیل دهد. تصمیمات و پیشنهادهای پلنوم برای کمیته مرکزی جنبه مشورتی خواهد داشت.

تبصره: ترکیب اعضای شرکت کننده در پلنوم را کمیته مرکزی تعیین می کند.

بند ۱۶- کمیته مرکزی موظف است آئین نامه های اجرایی و انضباطی تنظیم و در اختیار اعضاء بگذارد. این آئین نامه ها برای اعضاء لازم الاجرا است.

بند ۱۷- کمیته مرکزی می تواند یک عضو خود را به خاطر فقدان دیسپلین و رفتار نادرست و فعالیتهای ضد سازمانی با $\frac{2}{3}$ آراء مجموع اعضاء کمیته مرکزی اخراج کند. کنگره می تواند بین حکم را لغو نماید.

اعضائی که بدین طریق اخراج میشوند نباید تعدادشان از $\frac{1}{3}$ اعضای کمیته مرکزی تجاوز کند.

بند ۱۸- در مواردی که یکی از اعضای کمیته مرکزی اخراج، باز نداشت یا شهید شود یک جایگزین از میان افراد علی البدل با رای اکثریت ساده کلیه اعضاء کمیته مرکزی، جای او را خواهد گرفت. عضو انتخاب شده از حق رای کامل برخوردار است. اما به محض اینکه عضو بازنشسته شده شود، جایگزین تعیین شده از عضویت کمیته مرکزی کناره می رود.

بند ۱۹- در صورتیکه اکثریت اعضاء کمیته مرکزی بازنشسته یا شهید شوند، با زماندگان کمیته مرکزی موظفند در وهله نخست از اعضاء علی البدل و چنانچه عضو علی البدل کافی نبود، از میان دبیران کمیته های مناطق، کمیته مرکزی را ترمیم نموده و کنگره اضطراری سازمان را حداکثر ظرف مدت ۶ ماه برگزار نمایند.

بند ۲۰- بنا به ضرورت های معین کمیته های ویژه ای ویژه از طرف کمیته مرکزی تشکیل می گردند و زیر نظر کمیته مرکزی انجام وظیفه می کنند. کمیته های ویژه می توانند کمیته ها و حوزه های پایینی وابسته به خود را تشکیل دهند. کمیته های ویژه از حق عضوگیری برخوردارند.

بند ۲۱- تا برگزاری کنگره دوم، کمیته اجرایی سازمان عهده داری وظایف و اختیارات کمیته مرکزی خواهد بود.

فصل پنجم- سازمانهای منطقه ای و محلی

ماده ۲۱- کمیته منطقه

بند ۱- کمیته منطقه، ارگان رهبری کننده تشکیلات سازمان در سطح منطقه است و بالاترین ارگان در سطح منطقه می باشد.

بند ۲- کمیته منطقه، کمیته ها و سازمانهای تابعه خود را سازماندهی می کند، فعالیت های آنها را کنترل و رهبری می نماید و مسئول پیشبرد فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی سازمان در سطح منطقه می باشد.

بند ۳- کمیته منطقه بر اساس وظیفه تعیین شده از طرف کمیته مرکزی سازمان، در یک منطقه معین به وجود می آید. حیثه عملکرد کمیته منطقه را با توجه به نیازهای جنبش، کمیته مرکزی تعیین می کند.

بند ۴- کمیته منطقه متشکل از مسئولین شهرستانها و منتخبین کمیته مرکزی برای پیشبرد امور سیاسی و تشکیلاتی سازمان در سطح منطقه بوجود می آید.

بند ۵- اعضاء تحریریه ارگان منطقه ای توسط کمیته منطقه انتخاب و به تصویب کمیته مرکزی می رسند.

بند ۶- عملکرد و تصمیم گیریهای کمیته منطقه محدود به منطقه تحت فعالیت آن می باشد.

بند ۷- تصمیمات کمیته منطقه باید تحت نظر و در چارچوب تصمیمات متخذ در ارگانهای بالاتر باشد.

واو با یدجوا بگوی آن باشد.

بند ۶- وظائف حوزه

الف- حوزه ها موظفند اعضاء و کاندیداهای عضویت را با روحیه استحکام ایدئولوژیک، وفاداری به سازمان و آرمان کمونیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری آموزش و پرورش دهند.

ب- حوزه موظف است کلیه نشریات تدریسی و بیرونی سازمان را مطالعه نموده و انتقادات و پیشنهادات جمع بندی شده خود را پس از بحث حول این نشریات به ارگان بالاتر ارائه دهد.

ج- حوزه باید هفته ای یکبار جهت هماهنگ کردن و ارزیابی فعالیتهای مبارزاتی و مباحث ایدئولوژیک- سیاسی تشکیل جلسه دهد و گزارش هفتگی خود را به ارگان بالاتر ارائه دهد.

د- حوزه موظف است هر یک ماه یکبار جلسه انتقادات و انتقادات خود را تشکیل دهد و گزارش آن را به ارگانهای بالاتر ارائه دهد.

ه- حوزه موظف است بر اساس برنامه ای که از سوی سازمان تعیین شده است فعالیت کند.

و- حوزه موظف است دستورات کمیته ما فوق را اکیدا اجرا نماید.

ز- حوزه موظف است در کارخانه یا محل سکونت در جهت جذب توده ها به سمت سازمان تلاش کند و در جهت پیوند هر چه بیشتر سازمان با طبقه کارگر بکوشد.

ح- حوزه وظیفه دارد بر برنامه و سیاستهای سازمان را تبلیغ و ترویج کند، نشریات سازمان را توزیع نماید و کمک مالی و تدارکاتی برای سازمان جمع آوری کند.

"تعهدنامه سازمانی"

ماده ۲۵- تمامی اعضاء سازمان به هنگام پذیرش عضویت آنها، موظفند تعهدنامه زیر را امضا کنند:

"من خط مشی، اهداف و آرمانهای سازمان را می پذیرم و تعهد می کنم که به اساسنامه آن پای بند و در اجرای تصمیمات سازمان وفادار باشم. من تلاش خواهم کرد تا ایده آلهای کمونیسم رفتارنامه و تمام وجود در جهت منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش مبارزه کنم. من همیشه منافع سازمان و طبقه کارگر را بر منافع شخصی ترجیح میدهم."

بند ۸- کلیه تصمیمات کمیته منطقه بر اساس نظرات اکثریت اعضاء کمیته اتخاذ می گردد.

بند ۹- کمیته منطقه هر ماه یکبار گزارش کتبی عملکرد خود را به ارگان بالاتر ارائه می دهد.
ماده ۲۲- کمیته شهرستان

بند ۱- کمیته شهرستان تحت رهبری ۳ تا ۵ تن از دبیران کمیته های بخش تشکیل می شود، مسئول پیشبرد فعالیتها و سیاسی و تشکیلاتی سازمان در سطح شهرستان می باشد و کمیته های بخش و حوزه های تحت مسئولیت خود را کنترل و رهبری می نماید.

تبصره ۱- در شهرهایی که تشکیلات تا این حد گسترده نیست، ارگانهای پائین تر وظایف پیشبرد فعالیتها و سیاسی و تشکیلاتی را در سطح شهر با نظارت کمیته آن منطقه برعهده می گیرند.

تبصره ۲- در شهرهایی که تشکیلات از حد کمیته بخش به مراتب گسترده تر است، ابتدا چند کمیته ناحیه متشکل از ۳ تا ۵ کمیته بخش به وجود می آید، سپس از ترکیب دبیران کمیته های ناحیه کمیته شهرستان تشکیل می شود.

بند ۲- کمیته شهرستان دارای یک دبیر (ویکنا یب دبیر) می باشد که با انتخاب اعضاء کمیته شهرستان و تصویب ارگان بالاتر تعیین میشوند.

بند ۳- کلیه تصمیمات کمیته شهرستان بر اساس نظرات اکثریت اعضاء کمیته اتخاذ می گردد.

بند ۴- کمیته شهرستان هر ماه یکبار گزارش عملکرد خود را به ارگانهای بالاتر ارائه می دهد.

ماده ۲۳- کمیته بخش

بند ۱- کمیته بخش از ۳ تا ۵ تن از دبیران حوزه ها تشکیل می شود.

بند ۲- کمیته بخش دارای یک دبیر (ویکنا یب دبیر) است که با انتخاب اکثریت اعضاء کمیته بخش و تصویب ارگان بالاتر تعیین میشوند.

بند ۳- کمیته بخش وظایف خود را بر اساس برنامه عمومی تعیین شده از سوی ارگان بالاتر پیش می برد.

بند ۴- کمیته بخش مسئول رهبری و کنترل فعالیتهای حوزه های تحت مسئولیت خود می باشد.

بند ۵- کمیته بخش هر یک ماه یکبار گزارش کتبی از پیشرفت کار و تصمیمات و فعالیتهای خود را به ارگان بالاتر می دهد.

بند ۶- کلیه تصمیمات کمیته بخش بر اساس نظرات اکثریت اعضاء کمیته اتخاذ می گردد.

فصل ششم- واحدهای سازمان

ماده ۲۴- حوزه

بند ۱- واحدهای تشکیلات سازمان را حوزه تشکیل می دهد که در محل کار و سکونت تشکیل میشود.

بند ۲- تعداد اعضاء حوزه حداقل ۳ و حداکثر ۵ تن (اعضای عضو و کاندیدای عضو) می باشد.

بند ۳- تشکیل حوزه باید به تصویب ارگان بالاتر برسد.

بند ۴- حوزه دارای یک دبیر (ویکنا یب دبیر) است که با انتخاب اکثریت اعضاء حوزه و تصویب ارگان بالاتر تعیین میشوند.

بند ۵- کلیه تصمیمات حوزه بر اساس نظرات اکثریت اعضاء حوزه اتخاذ می شود مگر در مواردی که مربوط به انتخاب کردن و انتخاب شدن باشد که به آراء اعضاء مربوط می گردد.

تبصره ۱- در صورت تساوی آراء، نظری که دبیر حوزه به آن رای داده است لازم الاجرا است.

تبصره ۲- دبیر حوزه می تواند در صورتی که تشخیص دهد نظرات اکثریت اعضاء حوزه مغایر با مصالح و نظرات سازمان است، با پذیرش مسئولیت، را با تصمیم بگیرد. مشروط به اینکه بعدا مورد تایید ارگان بالاتر قرار گیرد. در غیر این صورت تصمیم او بی اعتبار بوده، خودسرانه تلقی خواهد شد.

قطعنامه درباره وحدت در صفوف نیروهای اقلیت

نظریا اینکه ایجاد سازمان واحد پرولتاریائی تمرکز همه منافع، استعدادها و امکانات جنبش کمونیستی را می طلبد،

نظریا اینکه وحدت کمونیستهای ایران و فائق آمدن بر پراکندگی یک ضرورت مبرم و حیاتی جنبش کمونیستی محسوب میشود،

نظریا اینکه بر اساسی ترین مسائل برنامه ای و تاکتیکی میان سازمان ما و دیگر جریانها تطبیقات اقلیت (شورای عالی، هسته اقلیت) در لحظه کنونی اشتراک نظر وجود دارد و این امر حصول به وحدت میان این سازمانها را امکان پذیر می سازد،

لذا، کنفرانس ضمن تأیید تلاشهایی که در این راستا صورت گرفته است، کمیته اجرایی را موظف نمود برای وحدت در صفوف نیروهای اقلیت اقدامات لازم را بعمل آورد.

برنامه مصوب دومین کنفرانس

مستقیم توده ها از طریق شورا ها که بمثا به نهاد های مقننه و مجریه هر دو عمل می کنند، برقرار خواهد شد.

۳- سیستم انتصابی مقامات برخواهد افتاد و انتخابی بودن کلیه مناصب و مقامات جایگزین آن خواهد گردید. صاحب مناصب ان حقوقي برابر با متوسط دستمزد یک کارگر محاسب خواهد شد.

۴- سیستم قضائی موجود منحل می گردد و دادگاه های خلق ایجاد خواهد شد.

* در قانون اساسی جمهوری دمکراتیک خلق با دیدمذاذیر تضمین شود:

۱- حق حاکمیت توده ها - قدرت دولتی باید در اختیار نمایندگان انتخابی توده ها باشد که در هر زمان بوسیله انتخاب کنندگان قابل عزل باشند.

۲- انتخابی بودن قضا و کلیه صاحب مناصب ان کشوری و لشگری.

۳- تسلیح عمومی خلق و جایگزین شدن ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای با ارتش توده ای.

۴- کنگره سراسری شورا های نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش شهر و روستا بمثا به عالی ترین ارگان حکومتی.

۵- حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرد که به سن ۱۸ سال رسیده باشند.

۶- مصونیت فرد و محل زندگی او.

۷- آزادی مسافرت و اقامت و شغل.

۸- آزادی مکاتبات.

۹- لغو هرگونه تفتیش، شکنجه و جاسوسی.

۱۰- آزادی فکر و عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق تشکیل اتحادیه، سندیکا، شورا، احزاب و سازمان های سیاسی، حق اجتماع، میتینگ، تظاهرات و اعتصاب.

۱۱- جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت و مدارس از مذهب. مدارس باید مطلقاً غیر مذهبی باشند.

۱۲- لغو کلیه محدودیتها و تضییقاتی که علیه اقلیت های مذهبی اعمال میشود.

۱۳- برابری حقوق کلیه اتباع کشور مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت.

۱۴- لغو هرگونه تبعیض برپایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.

- برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارث و تکفل اولاد.

۱۵- تضمین حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدائی و تشکیل دولتهای مستقل برای کلیه ملل ساکن ایران.

- منافع طبقه کارگر و زحمتکشان ملل تحت استعمار ایران در این است که مشترکاً یک دولت مقتدر تشکیل دهند. اما این اتحاد اجباری بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود.

۱۶- خودمختاری وسیع منطقه ای برای کلیه مللی که آزادانه و داوطلبانه کشور را تشکیل می دهند.

۱۷- الغاء هرگونه امتیاز و اعمال ستم ملی، قومی، فرهنگی و نژادی.

۱۸- الغاء زبان رسمی اجباری و حق اهالی به آموزش زبان مادری در مدارس، نهادهای دولتی و استفاده از آن در مراجع عمومی.

* ما همچنین خواهان اقدامات عمومی زیر می باشیم:

۱- آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه، بهره مندی تمام دانش آموزان به هزینه دولت از غذا، پوشاک، وسایل تحصیل و ایاب و

ذها ب.

- دگرگونی بنیادی و انقلابی در نظام آموزشی موجود و اقدام فوری در جهت یکپارچه سازی انقلابی به منظور ریشه کن کردن بی سوادی.

- برقراری نزدیکترین پیوند بین مدرسه و کاراجتماعی مولد، تلفیق آموزش نظری و عملی.

۲- بهداشت و درمان رایگان، گسترش درمانگاهها، بیمارستانها، گسترش شیرخوارگاهها، مهدکودکها، موسسات آموزشی، بهداشتی و پزشکی.

۳- تامین مسکن و تعدیل اجاره ها.

- به منظور کاهش از بار هزینه های کارگران و زحمتکشان ضروری است که بعنوان یک اقدام فوری، منازل، آپارتمانها و کلیه ساختمانهای متعلق به نیروهای ضد انقلاب و نیهتلها و ساختمانهای زائد دولتی به عنوان مسکن در اختیار کارگران و زحمتکشان قرار گیرد.

- مادام که مشکل مسکن بطور بنیادی حل نشده است، اجاره ها باید متناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین و به مرحله اجرا درآید.

۴- ایجاد کار برای بیکاران، تضمین شغلی، بیمه شدن در مقابل بیکاری و پرداخت حقوقی معادل مخرج یک خانواده ۵ نفره کارگری به بیکاران از سوی دولت.

۵- تامین امکانات زندگی برای سالمندان و کودکان بی سرپرست و ایجاد مراکز ویژه برای نگهداری آنان به هزینه دولت.

* به منظور مبارزه عملی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم، قطع وابستگی، دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور، توسعه اقتصادی و رفاه عمومی کارگران و زحمتکشان، ما خواهان انجام اقدامات زیر هستیم:

۱- ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ، انحصارات امپریالیستی، موسسات و نهادهای مذهبی.

۲- ملی کردن بانکها و تمرکز آنها در یک بانک واحد.

۳- ملی کردن شرکتهای بیمه و تمرکز آنها در یک موسسه واحد.

۴- ملی کردن موسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ.

۵- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامه ریزی شده کالاها از طریق تعاونیها.

۶- تمرکز جابجاری صاحبان صنایع و موسساتی که سرمایه آنها در مرحله کنونی انقلاب ملی نمی گردد، در اتحادیه ها و سندیکا های صاحبان صنایع.

۷- ایجاد دوگسترش صنایع سنگین.

۸- الغاء اسرار بزرگانی به منظور اعمال یک کنترل واقعی بر تولید و توزیع.

۹- کنترل شورا های کارگری بر تولید در کلیه صنایع، کارخانه ها و موسسات و نیز کنترل توده ای بر توزیع.

۱۰- الغاء کلیه قراردادهای اسارت بار امپریالیستی و افشاء مفاد آنها برای آگاهی عموم خلق.

۱۱- لغو تمام مالیاتهای غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد و ارث.

* به منظور مضمون داشتن طبقه کارگر از تبعیضات جسمی و روحی و بیسبب توان او در مبارزه برای رهایی، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) مطالبات زیر را مطرح می نماید:

۱- ۴۰ ساعت کار و دور روز تعطیل پی در پی در هفته، یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل.

۲- تقلیل ساعات کار روزانه کارگران معدن، صنایع و دیگر نواحی هائی که با شرایط دشوار و مخاطره آمیز روبرو هستند به ۶ ساعت کار در روز و ۳۰ ساعت کار در هفته.

۳- احتساب اوقات ایاب و ذهاب، صرف غذا، سوادآموزی و حجام جزء ساعات کار.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

زمینداران بزرگ، موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی و انتقال فوری آنها به دهقانان متشکل شده در شوراها و اتحادیههای دهقانی.

۳- پشتیبانی از جنبش دهقانان برای مصدوره ارضی، مادام که جنبه انقلابی و دمکراتیک داشته باشد.

۴- اراضی مکانیزه و بطور کلی زمینهایی که به شیوه عالی کشت میشوند، بدون آنکه تقسیم گردند، باید تحت کنترل شوراها یا کارگران کشاورزی قرار گیرند.

۵- متشکل کردن دهقانان خرده پا در تعاونیها و تشویق دهقانان به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی به منظور صرفه جویی در کار و هزینه محصولات.

۶- لغو کلیه بدهیهای دهقانان به دولت، بانکها و کلیه موسسات مالی سرمایه داران، ملاکین و ربا خواران.

۷- پرداخت وام بدون بهره به دهقانان و تامین هرگونه کمک تکنولوژیک از قبیل ماشین آلات، کود، بذور و غیره.

۸- ایجاد دوتوسعه جادهها، شبکههای آبیاری، آبرسانی و سراسری در روستاها.

۹- برخورداری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شهری.

۱۰- ایجاد دوتوسعه مراکز درمانی، بهداشتی و فرهنگی در جهت رفاه ساکنین روستاها.

- بعلاوه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) وظیفه خود میداند که برای تشکیل طبقاتی مستقل پرولتاریای روستا تلاش کند؛ تضاد آشتی ناپذیری را که میان او و بورژوازی دهقانی وجود دارد و نیز نیاز به یک انقلاب سوسیالیستی را توضیح دهد.

* در زمینه سیاست خارجی ما خواهان اجرای موارد زیر هستیم:

- ۱- اتحاد با خلقها و جنبشهای رهائی بخش ملل تحت استعمار، کشورهای سوسیالیستی و جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری، به مثابه سه جزء لاینفک یک جریان و احداث انقلابی - ضد امپریالیستی.
- ۲- برافشاندن رسم دیپلماسی سر و آگاهی عمومی مردم از تمام مباحثات، مذاکرات، عقد قراردادها و پیمانها با دول دیگر.

* سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) در راه مبارزه به خاطر مطالبات فوق الذکر از هر جنبش انقلابی و پوزیسیون که مخالف سیستم اجتماعی و سیاسی موجود ایران باشد، پشتیبانی می کند. اما در همان حال کلیه اقدامات ترافمیستی را که متضمن تشبیت یا گسترش مداخلات پلیسی - بوروکراتیک در زندگی توده های مردم است قاطعانه محکوم کرده و مردود می شمارد.

* سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) معتقد است که تحقق مطالبات فوق الذکر تنها از طریق سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر میسر خواهد بود.

۴- ممنوعیت کامل اضافه کاری.

۵- ممنوعیت سیستم پرداخت دستمزد بصورت جنسی و ممنوعیت قطعه کاری و کارکنتراتی.

۶- ممنوعیت شب کاری در تمام رشته های اقتصادی مگر در مواردی که به دلایل فنی یا رفاهی مطلقاً ضروریست و مورد تأیید تشکلهای کارگری قرار گرفته باشد، آن هم حداکثر به مدت چهار ساعت.

۷- ممنوعیت استخدام کودکان در سنین تحصیل زیر ۱۸ سال.

۸- ممنوعیت کار زنان در رشته های که برای سلامتی آنها زیان آور باشد.

۹- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.

۱۰- مرخصی زنان باردار دو ماه قبل و دو ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و داروئی رایگان.

۱۱- برخورداری زنان از تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به نوزادان در محل کار.

۱۲- احتساب اوقات رسیدگی و سرزدن به نوزادان جزء ساعات کار.

۱۳- بهره مند شدن کارگران از حق اولاد.

۱۴- ممنوعیت کسر دستمزد به بهانه جریمه، خسارت، غیبت و غیره.

۱۵- تعیین دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها و تامین معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری.

۱۶- افزایش دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها هر شش ماه یکبار.

۱۷- ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما.

- برخورداری نمایندگان منتخب کارگران کارخانه از حقوق تصمیم گیری در مورد اخراج و نظارت بر امر استخدام.

۱۸- بیمه کامل اجتماعی کارگران، بیمه بیکاری، سوانح، نقیص عضو، جراحت، کهولت، فرسودگی، امراض ناشی از حرفه و از کار افتادگی.

۱۹- برقراری کنترل کامل و سازمان یافته بهداشتی بر کلیه بناها، ایمنی محیط کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت کامل حقوق دوران بیماری.

۲۰- احتساب ایام بیکاری جزء سابقه کار کارگران.

۲۱- شرایط بازنشستگی برای مردان حداکثر ۵۵ سال سن یا ۲۵ سال سابقه کار، برای زنان حداکثر ۵۰ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار، و در رشته های که با شرایط دشوار، مخاطره آمیز و زیان آور و روبرو هستند حداکثر ۴۵ سال سن و یا ۲۰ سال سابقه کار.

۲۲- تنظیم مقررات و آئین نامه داخلی کلیه مراکز تولیدی با نظارت و تصویب نمایندگان کارگران.

۲۳- تدوین قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکلهای و مجامع کاری.

۲۴- ایجاد کار برای کارگران بیکار و پرداخت حقوقی معادل مخارج یک خانواده ۵ نفره کارگری به کارگران بیکار.

۲۵- تضمین حق تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری و حق اعتصاب با پرداخت دستمزد کامل کارگران در دوران اعتصاب.

۲۶- تساوی حقوق کارگران کشاورزی و امور خدماتی با کارگران حرفه ای.

* به منظور پایان بخشیدن به کلیه بقایای مناسبات فئودالی، بسط مبارزه طبقاتی در روستاها و افزایش سطح رفاه و حتمتگشان روستا، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) خواهان اجرای برنامه ارضی زیر می باشد:

۱- ملی شدن کلیه اراضی، مراتع، جنگلها و همه منابع طبیعی و زیرزمینی.

۲- ضبط فوری کلیه اراضی، املاک و ابزار و وسائل تولید مملکتی و

اعضاء، فعالین و هواداران!
برنامه سازمان را در میان توده های
مردم تبلیغ و ترویج نمایند و در
توزیع هر چه گسترده تر آن بکوشید



گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی . . .

۵۰ درصد تولید می کردند، طی دو سال اخیر نیز از میزان تولید کاسته شده و ۲۰٪ ظرفیت قبلی خود تولید می کنند. تازه ترین ارزیابی های کارشناسان اقتصاد اقتصادی رژیم نشان می دهد که حداقل ارز لازم برای احیای اقتصادی فعالیت کارخانه ها و صنایعی که اساسا وابسته اند و متجاوز از ۵۰ درصد ماشین آلات، قطعات یدکی، مواد خام و قطعات پیش ساخته مورد لزوم را با یک طریق انحصارات بین المللی تامین کنند، متجاوز از ۸ میلیارد دلار است. طی دو سال گذشته کمتر از یک میلیارد دلار به این امر اختصاص داده شده است. اکنون نیز اگر حداکثر درآمد ارزی پیش بینی شده در سال جاری که نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است، تامین گردد، این مبلغ عمدتا صرف هزینه های جاری دولت، ماشین نظامی و سرکوب و وارد کردن چند قلم کالا های مصرفی که ۲/۳ میلیارد دلار برای آن اختصاص یافته خواهد شد، لذا دیگر ارزی باقی نمی ماند که به کارخانه ها و موسسات تولیدی دیگر اختصاص یابد. البته رژیم در تلاش است که از طریق استقرار از دولتهای امپریالیستی، این حداقل ارز لازم را تامین کند و اوضاع اقتصادی اش را اندکی بهبود بخشد، اما تحقق این امر با توجه به اوضاع سیاسی رژیم فعلا امکان پذیر نیست. بعلاوه رژیم در تلاش است با فروش برخی کارخانه ها و موسسات تولیدی دیگر به بخش خصوصی بمقابل با رکود در صنایع پدیدار اما گذشته از اینکه تضادهای درونی رژیم مانع از انجام این برنامه شده است، سرمایه داران بخش خصوصی نیز ترجیح می دهند که در اوضاع نامساعد سیاسی و بحران اقتصادی، سرمایه خود را عمدتا در بخش خدمات تویژه تجارت به جریان اندازند. بنا بر این نه تنها طی دو سال گذشته رکود در صنایع تشدید شده است بلکه حداقل برای دو سال آینده نیز چشم انداز بهبود اوضاع وجود ندارد. بحران مالی و ورشکستگی مالی دولت خود عامل مهمی در تشدید بحران اقتصادی است. طی چند سال گذشته، رژیم برای تامین حواج و نیازهای ماشین دولتی و جنگی خود بخش عظیمی از ثروتهای جامعه را بر باد داد. با این وجود با کسر بودجه های کلان روبرو بوده است که آنرا از طریق استقرار ارزها و نکات و انتشار اسکناس بدون پشتوانه تامین نمود. گذشته از صدها میلیارد تومان قروض دولت، که خود فشار عمده ای بر دوش توده های مردم بوده است، کاهش درآمدهای ناشی از نفت سبب شده که رژیم نتواند حتی هزینه های روزمره دستگاه دولتی خود را تامین کند، لذا از طریق افزایش مالیاتها و دیگر ابزارهای اقتصادی این هزینه های خود را نیز از طریق فشار به توده ها تامین نموده است. بحران اقتصادی موجود تنها به حیطه های صنعتی و

مالی محدود نمی شود. در کشا و ورزی نیز وضعیت به حدی وخیم شده است که حتی سیب زمینی و پیاز هم کمیاب شده است. تولید برنج اکنون نسبت به ۱۰ سال پیش به ۱/۳ کاهش یافته و وضعیت تولید گندم نیز چنان وخیم است که گندم وارداتی به ۴ برابر افزایش یافته است. در چنین شرایطی وضعیت تولید محصولات نظیر پنبه، چغندر قند و غیره نیز که به کمتر از ۵۰ درصد کاهش یافته، روشن است. این بحران همه جانبه اقتصادی تا شیر خود را قبل از هر چیز بر تشدید و خاست شرایط مادی زندگی کارگران، دهقانان و عموم زحمت کشان برجای گذارده است. تعداد بیگاران هم اکنون رقمی در حدود ۵ تا ۶ میلیون نفر است. علیرغم جنگا لهای تبلیغاتی رژیم در زمینه بازسازی و اشتغال، بیس از برقراری آتش بس باز هم بر تعداد بیگاران افزوده شده است. میلیونها بیگار در ایران با چنان شرایط وخیمی روبرو هستند که تصور آنهم دشوار است. وضعیت کارگزارانی که هنوز مشغول بکارند نیز تا بدان حد وخیم است که اکثریت عظیم آنها از تامین حداقل معیشت محروم اند. بحران و خطر بیگاری بصورت حربه ای در دست سرمایه داران برای تشدید استثمار کارگران درآمده است. کارگران ایران به شدیدترین وجه ممکن استثمار میشوند. در حالیکه طی دو سال گذشته قیمت اساسی ترین کالاها و ما بحتاج مورد نیاز کارگران دوبرابر شده است، دستمزدها کارگران همچنان ثابت مانده است. نا ایمی محیط کار به حدی است که مطابق گزارشهای رسمی، سالانه ۶۰۰۰۰ نفر از کارگران کارخانه ها دچار حادثه میشوند که ۴۰۰۰۰ نفر آنها معلول میگردند.

شرایط زندگی دهقانان زحمتکش نیز مداوماً وخیم تر شده است. همه ساله گروه کثیری از آنها خانه خراب میشوند و به صغوف بیگاران می پیوندند. از هم پاشیدگی اوضاع اقتصادی که همراه با یک تورم افسارگسیخته است شرایط زندگی را بر عموم توده های زحمتکش بیس از همیشه دشوار نموده است. قیمت کالاها و جناس مورد نیاز زحمتکشان روز به روز افزایش می یابد. اگر اوضاع بر همین منوال ادامه یابد، نرخ تورم که طی سال جاری از ۵۰ درصد نیز گذشته است باز هم افزایش خواهد یافت. طی چند ماه اخیر دولت با زهم مالیاتها غیر مستقیم را افزایش داده و قیمت کالاها و خدمات تحت انحصار دولت را ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش داده است. همه چیز حاکی از تشدید و خاست شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان ایران است. اما در حالیکه کارگران و زحمتکشان ایران تحت دشوارترین شرایط به سر می برند و با فقر مطلق و نسبی روبرو هستند، سرمایه داران، سران حکومت، مزدوران و وابستگان دستگاه دولتی روز بروز ثروتمندتر

شده اند. مطابق اماراتی که از سوی ارگانهای رسمی رژیم انتشار یافته است در سال ۶۲ سهم ۲۰ درصد از ثروتمندترین خانوارها از کل درآمد کشور ۴۹/۴ درصد بوده و حال آنکه سهم ۸۰ درصد بقیه جمعیت نیز ۵۰/۶ درصد بوده است. در سال ۱۰،۶۳ درصد زحمتکشان ۱/۲۶ درصد و ۳۰ درصد زحمتکشان ۶ درصد از کل درآمد جامعه را بخود اختصاص داده اند، در حالیکه سرمایه داران و ملاکین سهم بیشتری را نسبت به سال ۶۲ بخود اختصاص داده اند. بویژه طی دو سال اخیر وضعیت توده های زحمتکش با زهم وخیم تر شده و ثروتمندان ثروتمندتر شده اند. مطابق همین آمار و گزارشهای رسمی، ۴ میلیون نفر از زحمت کشان ایران ماهیانه درآمدی کمتر از ۲۰۰ تومان و ۴ میلیون نفر درآمدی کمتر از ۴۰۰ تومان دارند، در حالیکه درآمد ۴ درصد جمعیت یعنی حدود ۶ هزار خانوار سرمایه دار و دیگر ثروتمندان ماهیانه بیش از سیصد هزار تومان است. نشان داده شده است که میزان درآمد ما همینان ثروتمندان طی دو سال اخیر به چند برابر افزایش یافته و درآمد گروهی از این ثروتمندان یعنی تجار، سرمایه داران صنعتی و برخی سران وابستگان دستگاه حکومتی هر ماه به چند میلیون تومان میرسد.

عمیق تر شدن شکاف میان فقرو ثروت جامعه تا بدان مرحله پیش رفته است که امروزه حتی مطبوعات رژیم نیز فریاد بر می آورند که نقدینگی سرمایه داران بخش خصوصی که در سال ۵۹، ۴۳۰ میلیارد تومان بود در سال ۶۴ به ۸۰۰ میلیارد تومان رسیده بود، اکنون از ۱۲۰۰ میلیارد تومان نیز گذشته است. متجاوز از ۸۰ درصد از این ۱۲۰۰ میلیارد تومان در دست ۲۰ درصد از افراد جامعه است. گزارش دیگری می گوید که ۹۵ درصد از ۱۲۰۰ میلیارد تومان نقدینگی سرمایه داران بخش خصوصی متعلق به ۳ درصد آنهاست. همه این ارقام نشان می دهد که شکاف میان فقرو ثروت در جامعه ما سال به سال عمیق تر شده است. اما توده های مردم ایران تنها با وخامت روز افزون شرایط مادی زندگی و فقر روز افزون روبرو نیستند. شرایط زندگی معنوی آنها نیز همچون شرایط مادی زندگی شان شاق و طاقت فرساست. مردم ایران همچنان از ابتدائی ترین حقوق مدنی و سیاسی محروم اند. جمهوری اسلامی همچنان به سیاست سرکوب و اختناق ادامه میدهد و دیکتاتور عریان و عنان گسیخته شرایط معنوی زندگی توده ها را بیس از بیس دشوار کرده است. برقراری آتش بس در جبهه های جنگ تنها منجر به کاهش سرکوب و اختناق نگردد بلکه بالعکس جنگ خارجی

متوقف گردید تا سرکوب توده ها تشدید شود.

هنوز چند روزی از برقراری آتش بسس نگذشته بود که در مدتی کوتاه هزاران زندانی سیاسی دستجمعی اعدام شدند. در این قتل عام، گروهی از فعالین و هواداران سازمان نیز که با مقاومت و پایداری خود در برابر رژیم سفاک و ددمنش جمهوری اسلامی حماسه ها آفریده بودند به شهادت رسیدند. رژیم که در جنگ با شکست روبرو شده بود به این جنایت هولناک متوسل گردید تا بدین طریق جو رعب و وحشت را بر جامعه حاکم سازد و ناراضی توده ای را مهار و کنترل کند. امروزه مردم ایران در چنگال رژیم خون آشام جمهوری اسلامی از هر گونه آزادی و دمکراسی محروم اند. اما رژیم با سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی از مردم ایران نتوانسته و نخواهد توانست مردم را از مبارزه علیه رژیم بازدارد. بالعکس هم تشدید و خاموشی را در پی دارد. زندگی توده ها و هم اختناق و سرکوب رژیم، نفرت و انزجار توده ای را از جمهوری اسلامی شدت بخشیده و تضاد میان توده مردم و رژیم حاکم را تشدید نموده است. طی دو سال گذشته هر چند که ناراضی و اعتراض توده ای در نتیجه سرکوبهای بیرحمانه رژیم از شکال علنی گسترده برخوردار نبوده است، با این وجود کارگران و زحمتکشان ایران به مبارزه خود ادامه داده و حتی در مواردی این مبارزه بصورت تظاهرات محدود و خفیه بانی در آمده است. مردم دیگر نمی خواهند تحت بیوغ سارت رژیم جمهوری اسلامی زندگی کنند. به موازات تعمیق بحران اقتصادی برداشته ناراضی توده ای مردم افزوده شده و بحران سیاسی نیز تشدید شده است. بحران حکومتی که با زتابنا تونی های اقتصادی و سیاسی رژیم، رشد روزافزون ناراضی توده ها و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه است، نقش مهمی در تشدید بحران سیاسی ایفا کرده است. رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی و خصلت مذهبی اش نه فقط شرایط زندگی مادی و معنوی توده ها را دشوار نموده و تضاد آنها را با رژیم تشدید کرده است بلکه خود نیز از درون با یک رشته تضادهای لاینحل و بحرانهای مداوم روبرو بوده است. تضادهای و کشمکشهای درونی هیئت حاکمه و جناحهای صاحب قدرت آن، طی دو سال گذشته یک لحظه رژیم را آرام نگذاشته است. شکست در جنگ که در حقیقت بمعنای شکست سیاسی توسعه طلبانه رژیم و پان اسلامیسم ارتجاعی بود، اختلافات درونی هیئت حاکمه را تشدید نمود. جناح بازاریباز و وسیعی را علیه جناح دولت سازمان داد و مسئولیت شکست در جنگ و نابسامانی اوضاع اقتصادی را بر عهده آن قرارداد. تنها مداخله خمینی و فتاوی و موضع گیریهای او و بنفع جناح مسلط توانست زحمت بحران بکاهد. با این وجود اختلافات بقوت خود باقی ماند و در ارگانهای مختلف رژیم آشکارا بروز نمود.

اختلاف میان اکثریت مجلس ارتجاع و شورای نگهبان جلوه دیگری از این اختلافات بود که خمینی برای حل آن "مجمع تشخیص مصلحت" را اعلام کرد. مدتی بعد کشمکش میان منتظری و خمینی حا دگر دید و با عزل منتظری از جانشینی خمینی رژیم با یک بحران جدید یعنی بحران جانشینی خمینی روبرو شد. آخرین تلاش خمینی برای حل بحران و تمرکز هر چه بیشتر قدرت در دستگاه حکومتی به اختلافات جدیدی میان جناحها و دسته بندیهای درونی هیئت حاکمه بر سر چگونگی تغییرات در قان اساسی رژیم انجامید. اما هنوز این مسئله به نتیجه ای نرسیده بود که مرگ خمینی فرا رسید و ضربه مرگبار دیگری بر پیکر پوسیده رژیم وارد آمد. خمینی که ده سال تمام در رأس جمهوری اسلامی قرار داشت و یکی از جنایتکارترین و خون آشام ترین دیکتاتورهای عصر حاضر بود، در اواسط خردادماه مرد. مرگ خمینی قطعا تاثيرات بسیار عظیمی بر رژیم جمهوری اسلامی و تسریع فروپاشی آن برجای خواهد گذاشت. خمینی در رأس هرم قدرت مانع از آن بود که کشمکشهای درونی هیئت حاکمه تمام موجودیت جمهوری اسلامی را در معرض تهدید قرار دهد.

خمینی در دستگاه حکومت مذهبی از چنان قدرت فوق العاده ای برخوردار بود که هیچ فرد، گروه یا جناحی از هیئت حاکمه را یا رای مقابله با او نبود. وی بنا به نقش ویژه ای که در دستگاه حکومتی کسب کرده بود می کوشید تا تعادل جناحهای هیئت حاکمه را حفظ کند و خود را فراتر از همه آنها قرار دهد. اما با مرگ خمینی هیچیک از افراد جناحهای هیئت حاکمه از توریته و موقعیتها و برخوردار نیستند. کسی قادر به مهار جناحهای رقیب و کنترل تضادهای و کشمکشهای آنها نیست. هر می که خمینی در رأس آن قرار گرفته بود، شکاف بیشتری برداشته است. سران هیئت حاکمه بلافاصله پس از مرگ خمینی با عجله کوشیدند تا جانشینی برای او دست و پا کنند و با این کار بجای او برگزیدند. اما او نه از توریته خمینی در میان جناحهای هیئت حاکمه برخوردار است و نه از نفوذ و در میان مزدوران حکومتی و وپاشان حزب الله. خامنه ای قادر نیست از نظر سیاسی نقش خمینی را ایفا کند و توازن جناحهای حکومت را حفظ نماید. هر چند که اکنون در ظاهرها مرهمه جناحها و ارگانهای رژیم به او اظهار وفاداری کرده اند اما این انتخاب، اختلافات و کشمکشها را در آینده ای نزدیک تشدید خواهد کرد. چرا که انتخاب و در حقیقت تقویت جناح بازاریباز و محسوب میگردند و جناح دیگر هیئت حاکمه که در ارگانهای مختلف رژیم از قدرت زیاد برخوردار است، تضعیف موقعیت خود را تحمل نخواهد کرد. از این رو روشن است، که با مرگ خمینی تضادهای درونی هیئت حاکمه تشدید میشود و بحران حکومتی عمیق ترمی گردد. تصور بطلسی است اگر چنین پنداشته شود که مرگ خمینی میتواند منجر به تخفیف باره ای از تضادهای گردد.

چرا که رژیم مذهبی جمهوری اسلامی با تمام ماهیت ارتجاعی اش باقی مانده است. در چنین شرایطی نه تنها بهبودی در وضعیت مادی و معنوی توده مردم حاصل نخواهد شد بلکه سران رژیم برای حفظ موجودیت جمهوری اسلامی به تشدید سیاست اختناق و سرکوب روی می آورند و وضعیت توده ها را بیش از پیش دشوار تر و غیر قابل تحملتر خواهند ساخت. این امر قطعاً برداشته ناراضی توده ای و مبارزه توده ای علیه رژیم خواهد افزود. خلاصه کلام اینکه با مرگ خمینی بحران سیاسی تشدید خواهد شد.

این چشم انداز تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، و اوضاع مساعبدین المللی، شرایط عینی را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بیشتر فراهم خواهد ساخت. بنا بر این امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی همچنان بصورت امری مبرم در برابر ما قرار گرفته است. این حقیقت که بحران اقتصادی و سیاسی هر چه بیشتر زمینه های عینی را برای سرنگونی رژیم فراهم می آورد، وظیفه ای فوری تر و عاجل تر را در برابر ما قرار می دهد. آن سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران است. واقعیت این است که هم اکنون نیز اکثریت عظیم توده های مردم ایران تحت شدیدترین فشارهای مادی و معنوی قرار دارند و رژیم موجود برای آنها غیر قابل تحمل است. این یک حقیقت مسلم است. با این وجود به رغم بحرانهای اقتصادی و سیاسی موجود، این نیز حقیقتی است که دامنه اعتلاء جنبش توده ای بسیار محدود است. علت چیست؟ چگونه با ید این حقیقت را تبیین کرد که دامنه اعتلاء جنبش توده ای علی رغم فشارهای حصری که مردم با آن روبرو هستند محدود است؟ واقعیت این است که محدود بودن دامنه اعتلاء جنبش و نیز محدود بودن اشکال مبارزه علنی و آشکار، بیش از آنکه به عامل عینی مربوط باشد به عوامل ذهنی مربوط میشود. از یک سو کارگران و زحمتکشان ایران از حداقل تشکل و سازمان یافتگی محروم اند و از سوی دیگر رژیم با دیکتاتوری عربیان و عنان گسیخته کوچکترین تجلی ناراضی توده را در نطفه سرکوب میکند. این خود نشان میدهد که به رغم وجود بحران انقلابی، رژیم خود بخود سرنگون نمی گردد، مگر آنکه توده های متشکل آنرا سرنگون کنند. بنا بر این سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک مستلزم تلاش برای متشکل ساختن و آگاه نمودن طبقه کارگر و زحمتکشان طبقه کارگر و زحمتکشان بورژوازی دمکرات و انقلابی از سوی دیگر است که در مرحله کنونی انقلاب به انجام تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران ذی علاقه است. مسئله متشکل نمودن طبقه کارگر در درین حال مستلزم وحدت در صفوف کمونیستهای ایران و ایجاد حزب کمونیست ایران است. چرا که مسئله متشکل ساختن طبقه کارگر تمرکز همه منابع،



استعدادهای و امکانات جنبش کمونیستی را در یک سازمان واحد پیرو لئونی می‌طلبید. با درک این ضرورت بود که ما طی دو سال گذشته تلاش مجدانه‌ای را برای وحدت در صفوف کمونیستهای ایران آغاز نمودیم و انرژی خود را قبل از همه بر روی امر وحدت در صفوف نیروهای طیف اقلیت متمرکز ساختیم که بعلمت توفیق بر سر اساسی تریست مسائلی بر نامه‌ای و تاکتیکی امکان حصول وحدت بین آنها بیشتر برده است. اما با دیدگفته در این زمینه دست آوردهای ما بسیار محدود بوده است. نیروهای که خود را بصورت " هسته اقلیت " متشکل ساخته اند تا یلی به این وحدت نشان دادند و در نشستهای که ما از آنها دعوت بعمل آوردیم شرکت کردند. در زمینه امر وحدت با " شورای عالی " نیز هر چند گام‌های عملی در این جهت برداشته شد، اما چنین بنظر میرسد که گرایشاتی در درون این سازمان وجود دارند که چندان تمایلی به امر وحدت ندارند، با این وجود ما به تلاش خود برای وحدت ادامه داده ایم. از مسئله تشکل صفوف کارگران و وحدت کمونیستهای ایران که بگذریم، مسئله دیگری را نیز باید در نظر داشته باشیم و آن این حقیقت است که امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک در ایران مستلزم ائتلاف طبقه کارگر با خرده بورژوازی دمکرات و انقلابی است. بدون انجام این امر طبقه کارگر نمی‌تواند انقلاب را در مرحله کنونی آن بفرجام برساند. با درک این حقیقت است که ما طی دو سال گذشته کوشیده ایم تا حداقل با سازمانهای انقلابی و دمکراتیک گسترش دهیم تا بدین طریق زمینه‌های مستحکم تری برای اتحاد همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک فراهم آوریم. انجام این وظایف در عین حال نمیتوانست از مبارزه علیه رژیم و " لیبرالیسم " جدا باشد. مشکل شدن صفوف طبقه کارگر و وحدت در صفوف کمونیستهای ایران هیچگاه نمی‌تواند جدا از انفرادی در فریضه در جنبش طبقه کارگر باشد. هر چند که سیاستهای اپورتونیستی و خیانتناظر فرمیستهای توده‌ای و اکثریتی با حمایت از رژیم جمهوری اسلامی کاملاً در درون جنبش کارگری ایران افشاء شده است و این سیاستها رسوائی عظیمی برای طیف فرمیست‌ها را آورد، با این وجود افشاء و انفرادی آنها همواره یکی از وجوه اصلی سیاستهای سازمان ما بوده و خواهد بود. علاوه بر این در جنبش عمومی دمکراتیک توده‌های مردم ایران، خطر " لیبرالیسم " همواره وجود داشته و خواهد داشت، افشاء و انفرادی " لیبرالها " و به طور کلی " لیبرالیسم " در صفوف جنبش دمکراتیک وجه دیگری از سیاستهای سازمان ما بوده و خواهد بود. امروزه اصلی‌ترین و مهم‌ترین خطر برای جنبش عمومی دمکراتیک و انقلاب ایران، سازمان

ما هدین محسوب می‌شود که مناسبت تریست - آلترا تریست و امپریالیسم بورژوازی داخلی برای کنترل و مهار جنبش توده‌ای در شرایط اعتلاء این جنبش محسوب می‌گردد. هر چند که ما هیت ضد انقلابی این سازمان و تمایلات شدیداً ضد دمکراتیک و ارتجاعی آن بر بخش وسیعی از توده‌های مردم ایران روشن شده است، با این وجود از آنجا که این سازمان با ادعای دروغین آزادیخواهی، در میان بخشهایی از مردم ایران دارای نفوذی باشد و علاوه بر این از حمایت بخشهایی از بورژوازی داخلی و بین المللی برخوردار است خطر عمده‌ای برای انقلاب ایران محسوب میشود و چنانچه یقین بر سر دیدگات توریست و تمام تروریستی نظیر دیدگات توریست رژیم شاه و جمهوری اسلامی را در ایران برقرار خواهد کرد. بر این مبنا، افشاء هر چه گسترده‌تر این سازمان در میان توده‌های مردم، یکی از شرایط پیروزی انقلاب ایران محسوب می‌گردد. سازمان ما که طی چند سال گذشته یک لحظه از مبارزه علیه این سازمان و افشاء آن دست برنداشته، طی دوران پس از نخستین کنفرانس سازمان، این سیاست را ادامه داده و در آینده نیز قطعاً باید آنرا ادامه دهد. این استرئوس مهم‌ترین سیاستهای ما در شرایطی که بحران ژرف ترمی گردد و شرایط عینی برای سرنگونی جمهوری اسلامی بیشتر فراهم می‌گردد. پس از این توضیحات اکنون بینیم که طی دو سال گذشته، در زمینه مسائل تشکیلاتی چه کرده ایم؟ با چه مسائلی روبرو بوده ایم؟ و در آینده چه باید کنیم؟

سازمان ما، در آستانه کنفرانس خردادماه سال ۶۶ با حداکثر بحران تمام دوران حیاتی خود روبرو گشته بود. انشعاب تا خردادماه ۶۶ منجر به از هم گسیختگی تمام بخشهای تشکیلات گردید. همه تلاشهای ما قبل از برگزاری کنفرانس برای برگزاری یک نشست وسیع از همه نیروها و بخشهای تشکیلات با شکست روبرو گردید. با برگزاری کنفرانس مجدداً این تلاش را با دعوت از رفقای دیگر برای شرکت در کنفرانس از سر گرفتیم، اما باز هم به نتیجه‌ای نرسید. لذا ما علیرغم کمیت و توان محدود خویش بنا به احساس مسئولیتی که در قبال جنبش طبقه کارگر و سازمان داشتیم، وظیفه بازسازی تشکیلات و مبارزه با انحرافات که در گذشته منجر به انشعاب و تضییع تکرار سازمان شده بود، در برابر خود قرار دادیم. در زمینه بازسازی تشکیلات در حدودی که توان و امکانات ما اجازه می‌داد، تنها در محدوده معینی توانستیم برخی ارگانها را احیاء نماییم. فراتر از این از عهده و توان ما خارج بود.

ما پس از کنفرانس در حالیکه تمام ارگانهای سازمان از هم پاشیده بود، می‌بایستی با تعداد معدودی از رفقا فعالیت خود را آغاز کنیم. ما از حیث کارهای مجرب و سازماندهی در مضیقه قرار داشتیم. در زمینه مالی و تدارکاتی وضعیت ما از

این هم وخیم تر بود. پس از گذشت دو سال از آن زمان اکنون با دیدگفته که ما حتی توان مالی و تدارکاتی برای انتشار نخستین شماره ارگان سازمان را پس از کنفرانس نداشتیم. مسئول کمیته خارج از کشور سابق سازمان، به تمام معنی کلیه امکانات مالی و تدارکاتی سازمان را به تاراج برده بود. اگر تلاش فداکارانه همه رفقای سازمان و کمکها و حمایتهای رفقای هوا دار نبود، ما حتی قادر نبودیم یک گام به پیش برداریم. اما علیرغم تمام این مشکلات ما به وظیفه کمونیستی خود عمل کردیم و نه فقط در محدوده معینی به بازسازی تشکیلات پرداختیم بلکه مهمتر از آن، در جهت تثبیت سیاسی سازمان تلاش نمودیم. طی دو سال گذشته عمده ترین دست آوردهای ما - آوردن سیاسی بود. انشعاب تا مکرر، لطمه شدیدی به اعتبار سیاسی سازمان وارد آورده بود. اعتماد به سازمان حتی در صفوف هوا داران تا حدود زیادی از بین رفته بود. ما می‌بایستی تلاش کنیم تا مجدداً این اعتماد سیاسی را کسب کنیم. ما در این زمینه تا حدودی موفق شدیم و سازمان مجدداً از نظر سیاسی تثبیت گردید، اما هنوز با یدمدتها تلاش کنیم تا اعتبار سیاسی گذشته سازمان کاملاً احیاء گردد. در زمینه مسائل تشکیلاتی که در گذشته یکی از مسائل بحران زای سازمان بود، ما تلاش مجدانه‌ای را برای برقراری مناسبات و ضوابط کمونیستی در تشکیلات و اجرای اصل سانسور لیسم دمکراتیک مبذول داشتیم و در آینده نیز استحکام هر چه بیشتر یک چنین مناسباتی باید در سر لوجه فعالیتها مربوط به زندگی درون تشکیلاتی ما قرار بگیرد. اما علیرغم تمام این موفقیتها می‌باید تشکیلات ما طی دو سال گذشته داشته است، با ید گفت که ما در امر انجام عمده ترین وظیفه خود که جهت گیری برای ایجاد یک تشکیلات مستحکم در میان کارگران بوده است، موفق نبوده ایم. این مسئله‌ای بسیار مهم و جدی برای تشکیلات ما است که با ید آنرا ریشه‌یابی کنیم و راه حلی برای آن ارائه دهیم، چرا که موجودیت تمام تشکیلات ما وابسته به حل این مسئله است. این عدم موفقیت قبل از هر چیز ناشی از ذهنیگری مفرط ما بوده است. پس از کنفرانس خرداد ۶۶، ما سادانه نگارانه و متوهم به توان خود، برنامه‌های عملی را پیش رویمان قرار دادیم که فاقد حداقل ملزومات و پیش شرطهای عملی ساختن آن بودیم. بدیهی است که بقای سبک کار گذشته نیز تا شیرت خود را در عرصه کار سازمانی ما بر جای گذارده است. ما در حالیکه در عرصه سیاسی، سبک کار و شیوه فعالیت خود را بطور عمده اصلاح کرده ایم، اما در عرصه سازماندهی عمدتاً سبک کار گذشته را ادامه دادیم که ریشه اصلی آن نیز، همین ذهنیگری بوده است. نتیجه اینکه: اگر ما تمام نیروهایمان را حول تصمیمات کمیته اجرایی متمرکز نمی‌نمودیم، باز قادر نبودیم این مصوبات را در بعد مورد

پیام به فدائیان دربند، خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی

رفقا و هم‌رزمان دربند!

دومین کنفرانس سازمان در شرایطی برگزار میشود که کارنامه سیاه و ننگین جمهوری اسلامی در زمینه شکنجه و کشتار انقلابیون در ابعاد وسیعی برملا گشته است. وسعت دامنه جنایات رژیم، آشکارا مبین وحشت مرتجعین حاکم از برآمدهای توده‌ای است. جمهوری اسلامی که در هراس دائم از خیزش انقلابی توده‌ها بصر میبرد، بر این خیال است که با کشتار و شکنجه انقلابیون و ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه، قادر خواهد بود جلوی رشد مبارزات توده‌ها را سد کند. در خیما ن جنایت‌پیشه، با اعمال خشن‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی نسبت به شما فدائیان اقلیت چنین می‌پندارند که قادر خواهند بود راه شما را در هم شکسته و از گسترش مبارزات انقلابی جلوگیری نمایند. اما تداوم مبارزات آشکار و نهان کارگران و زحمتکشان، پایداری و استواری شما تا پای جان، همگی دال بر خام خیالی در خیما ن است.

رفقا! همسنگران زندانی!

شرکت‌کنندگان در دومین کنفرانس سازمان ضمن بزرگداشت خاطره همه شهدای سازمان، از مقاومت‌حماسی و غرور آفرین شما در سیاه‌چالهای قرون وسطای رژیم تجلیل نموده و پرشورترین دروهای کمونیستی خود را نشان شما می‌کنند. رژیم سترگ شما در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی که یکی از ارتجاعی‌ترین و سفاک‌ترین رژیمهای جهان است، بخش مهمی از مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه سرمایه‌داران و مرتجعین محسوب میشود. شما که راه سرخ فدائیان خلق را تداوم بخشیده‌اید و در زندانها نیز این راه خونین را پاس داشته‌اید. شما که در برابر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی دلاورانه مقاومت کرده و به آرمان‌های طبقه کارگر و فداکاران مانده‌اید. شما که شدیدترین شکنجه‌ها را تحمل کرده و بی‌حماسه‌های غرور آفرین خود، دشمنان خوار و زبون را، زبون‌تر کرده‌اید. ما ضمن ابراز عمیق‌ترین و شورانگیزترین احساسات ترفیقانه، فداکاریهای شما را ارج می‌نهیم. رفقا! ایستادگی و پایداری ستایش‌انگیز شما، رژیم بی‌باکانه و غرورانگیز شما حقیقتاً از قدر و ارزشی پایانی برخوردار است. خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی!

بی‌تردید دشواریها، مشقات و نگرانیهای متعددی که شما از ناحیه جمهوری اسلامی بخاطر عزیزان خود متحمل شده‌اید، از جدواندازه بیرون است. فداکاریها و زخودگذشتگی‌های شما نیز در خوارچ‌گذاری و تحسین برانگیز است و امروز گوشه‌ای از این ارج‌گذاری را در احساس همدردی و برابری همبستگی عمیق اکثریت عظیم مردم زحمتکش با شما خانواده‌ها بوضوح میتراشیده‌اند. ما شاهده کردیم. اطمینان داشته باشید که عزیزان شما که در برابر جوخه‌های اعدا و استوار و سراسر آزارها ایستادند، و یاد نبردهای رویاروی با مزدوران به شما دسترسیدند، همواره در خاطر ما زنده خواهد ماند. قهرمانانی که با سرودهای حماسی بر لب و اندان‌های فشرده شده از کینه، در خیما ن را تحقیر نموده و مرگ سرخ را پذیرا گشتند. مرگی که نوید بخش پیروزی کارگران و زحمتکشان است. استواری و جان‌نازی این عزیزان در برابر جمهوری جهل و جنایت، ناقوس بیداری کارگران و زحمتکشان و تجسم رزم انقلابی و خلل‌ناپذیر آنها علیه اختناق و استثمراست.

اگر فدا و مقاومت و پایداری عزیزان شما دیوارهای سکوت و ظلمت را در نور دیده بیرون از زندانها انعکاس یافت، شما نیز راه این دلاوران را در بیرون از قتلگاه‌ها و شکنجه‌گاه‌ها پی گرفته‌اید. شما با جسارت و آگاهی، به افشای جنایات رژیم در زندانها پرداخته‌اید، اخبار مبارزات قهرمانانه فرزندان خود را در میان توده‌ها بخش نموده و پایداری آنها را در سراسر ایران و جهان منعکس کرده‌اید. شما با اشکال مختلفی از مبارزه علیه رژیم، برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش ورزیده و دشمنان قسم خورده آزادی را بیش از پیش رسوا ساخته‌اید. شما خانواده‌های زندانیان سیاسی خوب میدانید که جمهوری اسلامی طی ده سال حکومت جا برانه و ستمگرانه خود، عظیم‌ترین جنایات ضد بشری را مرتکب شده است. تنفر عمیق دلاوران دربند شما از نظام حاکم، انعکاس آنجا ر عمیق شما و میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان ایران است. توده‌هایی که طی ده سال حکومت ستم و ابدار، جز فقر، فلاکت، تباہی و بی‌حقوقی نصیبی نبرده‌اند و اکنون مدت‌هاست که در تدارک سرنگونی آن هستند. هم‌اکنون گرچه مرگ‌خیمینی به فروپاشی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی شتاب بیشتری بخشیده است، با این وجود نظام ضد مکران تیک‌حاکم بجای خود باقی مانده است. از اینرو کسب آزادیهای سیاسی، یکی از مهمترین مطالبات شما و عموم توده‌های مردم محسوب میشود و آزادی زندانیان سیاسی، که جلوه‌ای از آزادیهای سیاسی است همچنان در محور مطالبات شما قرار دارد. پس برای آزادی زندانیان سیاسی و برای تحقق آزادیهای سیاسی، مبارزات خود را علیه رژیم گسترش دهید.

ما اطمینان راسخ داریم که دور نیست روزی که خشم عظیم و بنیان‌کنی که سینه‌ها را انباشته است، برج و باروی ستمگران جنایت‌پیشه را در هم بشکند و بساط ننگین آنها را در شعله‌های خود خاکستر کند. در این مصاف تاریخی، جمهوری اسلامی را از چنین فرجام دهشتناکی هیچ راه‌گریزی نیست و از همین روست که نه کشتارهای جمعی و نه زندان و شکنجه، رژیم را از مرگ حتمی نجات نخواهد داد. دور نیست آن روزیکه زندانها مجدداً بدست توده‌ها فتح و گشوده شوند و عزیزان رها یافته شما، به همراه کارگران و زحمتکشان بروی رانه‌های رژیم جمهوری اسلامی به رقص و پایکوبی بنشینند.

جاودان با دخالطه تمامی شهدای سازمان!

پیروز با درزم سترگ فدائیان دربند!

درو دبر خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی!

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم!

شرکت‌کنندگان در دومین کنفرانس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)



پیام دومین کنفرانس به رفقای هوادار

رفقای هوادار!

شرکت کنندگان در دومین کنفرانس سازمان براستقامت شما در مبارزه برای تحقق آرمانهای والای طبقه کارگر درودمی فرستند و برپایا یداریتان ارج می نهند. شما در شرایطی به مبارزه قهرمانانه خود ادامه می دهید که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با تشدید سرکوب و خفقان، دیکتاتور ی عنان گسیخته ای را برجا می آید. شما در شرایطی که طبقه کارگر ایران زیر شدیدترین فشارهای مادی و معنوی قرار دارد. استعمار و وحشیانه و شرایط طاقت فرسای کار پیدا می کند. هر اعتراض کارگران بشدت سرکوب می شود، ایجاد تشکلهای کارگری ممنوع است و ابتدائی ترین حقوق طبقه کارگر توسط طبقه حاکمه سلب شده است. در شرایطی که عموم توده های مردم ایران با فقر، گرسنگی، بیکاری، گرانی و دهها مصیبت اجتماعی دیگر دست بگریبانند، رژیم تنها راه تسلط و حاکمیت خود را در سرکوب، ترور و پایداری نمودن حقوق دمکراتیک توده های یافته است. رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه در بحران عمیق اقتصادی و سیاسی دست و پا میزند، روز بروز شرایط دشوارتری را بر توده ها تحمیل می نماید و برای مرعوب ساختن آنان و جلوگیری از گسترش اعتراضات توده ای، بر شدت سرکوب و خفقان می افزاید. مجموعه وضعیت امروز جامعه ایران، وظایف بسیار خطیری را بر دوش سازمان ما و رفقای هوادار قرار میدهد. در چنین وضعیتی رفقای هوادار سازمان که علیرغم شرایط خفقان آمیز جامعه به مبارزه علیه شرایط موجود ادامه میدهد، باید فعالیت انقلابی خود را گسترش دهند.

رفقای هوادار!

با تلاشی دوچندان، خط مشی سازمان را در میان کارگران، زحمتکشان و توده مردم ستمدیده ایران تبلیغ و ترویج کنید. مبارزات طبقه کارگر و عموم توده ها را در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی سازمان دهید و به نشان دهید که راه رها ئی از مصائب موجود، راه پایا ن بخشیدن به فقر، بیکاری، بی حقوقی و اختناق و سرکوب، جایگزینی یک حکومت دمکراتیک و انقلابی تحت رهبری طبقه کارگر است که راه را برای استقرار سوسیالیسم، تنها راه نجات بشریت ستمدیده، هموار می نماید. تحقق خط مشی سازمان و مصوبات دومین کنفرانس آن، مستلزم تلاش روزافزون ما در تبلیغ و ترویج و سازماندهی مبارزات کارگران و توده های مردم ایران است.

در این میان رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور که تاکنون یک لحظه از مبارزه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات برحق توده های مردم ایران از پای ننشسته اند و نقش مهمی در افشای رژیم، سازماندهی حرکات اعتراضی و پشتیبانی از مبارزات توده های مردم ایران ایفا نموده اند نیز باید در نظر گرفتن شرایط خطیر کنونی مبارزات خود را گسترش دهند.

رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور!

دومین کنفرانس سازمان، تشکیلات را موظف نمود کلیه انرژی و امکانات خود را در جهت سازماندهی مبارزه کارگران و زحمتکشان متمرکز نماید. پیشبرد این وظایف، مستلزم آن است که از دامنه فعالیت مستقیم سازمان در خارج از کشور کاسته شود و تمامی انرژی و توان ما به اصلی ترین وظیفه ما اختصاص یابد. کاهش دامنه فعالیت مستقیم سازمان در خارج از کشور، وظایف سنگینی را بر دوش رفقای هوادار سازمان قرار میدهد. رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور می بایست با گسترش فعالیت انقلابی خود توسط ابتکارات در امر تبلیغ و ترویج و سازماندهی، این کمبود را جبران نمایند.

رفقای هوادار سازمان!

تحقق مصوبات دومین کنفرانس سازمان مستلزم فعالیت بیشتر و تلاش گسترده تر همه ما است. پس بر فعالیت مبارزاتی خود بیافزاییم و سازمان را در انجام اصلی ترین وظایف اش یاری رسانیم.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی، برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم!

دومین کنفرانس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

خردادماه ۱۳۶۸

از صفحه ۱۷

گزارش سیاسی و تشکیلاتی ...

نظر عملی سازمان ما با ایداعان نمودن گرما حاصل سبک کار گذشته نبودیم، اگر برای رسیدن به آنچه ضروری و مطلوب است، نقطه آغاز را بروا قعیات و توان واقعی مان استوار می کردیم، اگر انرژی خود را بخش بخش نمیکردیم، در برابر خود وظایف متعددی قرار نمی دادیم و ارگانهای متعددی ایجاد نمی کردیم، امروز می توانستیم از حداقلهای لازم در این زمینه برخوردار باشیم. لذا کمیت اجرای در این زمینه

از خود انتقاد می کند و بر این اعتقاد است که حل عمده ترین وظیفه سازمان ما در مقطع کنونی یعنی جهت گیری بسوی ایجاد تشکیلات مستحکم در میان کارگران مستلزم اختصاص همه امکانات و نیروهای سازمان به این امر است. از آنجائیکه این مسئله مهمترین مسئله مربوط به حیيات تشکیلات ما محسوب می گردد و از آنجائیکه نیرو و امکانات ما محدود است، لاجرم ضروریست که حتی به بهای انحلال برخی ارگانهای موجود، همه نیروها و امکانات سازمان را در خدمت تحقق این وظیفه قرار دهیم. بدون سازماندهی طبقه کارگر انجام هیچیک از وظایف ما امکان پذیر نیست.



